

نادیده‌انگاری بایسته‌های تقنینی در قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم علیه امنیت

سید روح‌الله عقیق^{۱*}، کریم صالحی^{۲**}، دکتر عارف برخوردار^{۳***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2022.1490.1393

چکیده

قوانین کیفری اگرچه از ضمانت اجرای قوی برخوردارند، برای ثمربخش بودن باید تابع قواعد و اصول تقنینی از جمله کارآمدی باشند، چراکه کارآمدی یک قانون بسترساز تمکین جامعه به آن قانون است. قوانینی که از سوی آحاد جامعه مورد توجه قرار نگیرند، هرچند از ابزار قهریه و یا شدت مجازات زیادی نیز برخوردار باشند، به سبب ناکارآمدی با عدم تمکین بخش زیادی از جامعه روبه‌رو می‌شوند. بررسی اجمالی قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم امنیتی بیانگر وجود اشکالات و ابهاماتی در این خصوص است، اگرچه اعتبار قانون در حوزه جرائم علیه امنیت منوط به مقبولیت همگانی یا حداکثری نیست، کارآمدی آن متضمن افزایش ضریب امنیتی جامعه می‌شود. کارآمدی، کارکرد و ثمربخشی قوانین در حوزه جرائم امنیتی از مباحث چالش‌برانگیز و اختلافی است که پژوهش‌چندانی در خصوص آن صورت پذیرفته و بررسی ابعاد مختلف آن از حیث اصول و روش‌های تقنینی، واکاوی نشده است. تحقیق پیش‌رو، در زمینه بررسی قوانین کیفری ایران در این حوزه از زاویه اصول پذیرفته‌شده قانون‌نویسی پرداخته و نواقص و اشکالات موجود در این حوزه از جمله اشکالات در دو بخش نارسایی‌ها، ابهامات قوانین و اثربخشی معکوس قوانین و تشدید هنجارشکنی تبیین شده است تا بتواند چراغ راهی برای اصلاح قوانین کیفری در حوزه‌های امنیتی باشد و کارآمدی و نقش پیشگیرانه این قوانین را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی: جرائم امنیتی، سیاست جنایی، کارآمدی تقنینی نظام کیفری، نظام تقنینی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)

* Email: Seyyed1400seyyed@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

** Email: k.salehi@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه اندیشه سیاسی اسلام، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

** Email: barkhordariaref@yahoo.com



مقدمه

کشورها در مواجهه با جرائم، از سیاست‌های کیفری متنوعی استفاده می‌کنند. در عدالت کیفری سنتی در اندیشه مکافات‌گرا (عدالت کیفری سزادهنده)^۱، سیاست‌های بیشتر کشورها بر مبنای مجازات حداکثری مجرمان به‌عنوان دشمنان جامعه شکل گرفت که در آن مجرم، فردی است که در دشمنی با جامعه، نظم و انضباط جامعه را هدف می‌گیرد و مستحق حداکثر مجازات است. در این نگرش، برخوردهای هرچه قاطع‌تر و سخت‌تر با مجرم که تقریباً منطبق با نظریه جرم‌شناسی تسامح صفر^۲ بود، سبب می‌شد که مجرم جسارت ارتکاب جرم را نداشته باشد و با هزینه‌بر بودن جرم، افراد از ارتکاب جرم پرهیز کنند. با پیدایش مکاتب مختلف جامعه‌شناسی و رشد ابعاد مختلف جرم‌شناسی، نگرش‌ها از جرم به سمت مجرم تغییر یافت و اصلاح و بازپروری مجرمان و بازگرداندن آنان به آغوش جامعه، مبتنی بر نگاه‌های والا به بشر و حقوق انسانی آن و عدالت کیفری سنتی با گرایش اصلاح و بازپروری^۳ شکل گرفت. با پیدایش مکتب تحقیقی^۴ جرم‌شناسی علمی متولد شد و با رویکردهای پیشگیرانه، نگاه صرف به مجرم را به سمت عوامل پیدایش جرم منصرف کرد. مکتب تحقیقی آرام‌آرام جای خود را به مکتب دفاع اجتماعی سپرد. مکتب دفاع اجتماعی که در واقع نفی‌کننده حقوق کیفری بود، مسبب تحولاتی در نظام‌های کیفری شد. پیدایش مکاتب مذکور در نهایت سبب شد که کشورها از سیاست‌های کیفری دشمن‌مدار و عدالت کیفری که مبتنی بر سزادهی و سرکوبگری مجرم است، به سمت سیاست‌های کیفری عدالت‌محور و کرامت‌مدار مبتنی بر اصل برائت، عدم مداخله در زندگی خصوصی افراد، تمرکز بر جرائم جایگزین، اصلاح و بازپروری مجرم، بازاجتماعی کردن آن‌ها سوق یابند و مجازات‌های جایگزین حبس در قوانین کیفری قرار گرفت. با گذشت زمان و نمایان شدن شکست مکتب دفاع اجتماعی، راه بر سیاست جنایی در اعمال روش‌های مبتنی بر آزمون و خطا بسته شد و آرام‌آرام مکتب بازگشت به کیفر (نئوکلاسیسم باز اندیشیده‌شده - نوپدیداری نئوکلاسیسم)^۵ تحت تفکرات جرج فلچر، رونالد کلارک، جیمز ویلسون و ... روی کار آمد. پس از عبور از این تحولات، مسیر حرکت به سمت امنیت‌گرایی آغاز شد و به‌نوعی می‌توان خاستگاه آن را تغییرات ساختارزدایانه‌ای دانست که از ابتدای سال‌های ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفته‌اند (جعفری، ۱۳۹۲: ۳۷). از آغاز دهه ۷۰ که شکست و ناکارآمدی اندیشه بازپروری تحت عنوان اثر صفر درمان اعلام شد (داودی

گرمارودی، ۱۳۸۴: ۶۸)، نگاه جرم‌شناسی از بزه‌کار معطوف به عمل مجرمانه و رفتار بزه‌کار شد و کیفردهی و اعمال مجازات به‌عنوان تابعی از اوضاع و احوال جرم ارتكابی در نظر گرفته شد (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۵۹). عدالت استحقاقی^۶ مبتنی بر اینکه بزه‌کار باید مجازات شود، تنها به این دلیل که مستحق آن است و توجیه اعمال مجازات نسبت به جرائم گذشته، فقط برای دستیابی به منفعت جلوگیری از جرائم آینده می‌باشند (داودی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۷۰ - ۷۱). جرم‌شناسی امنیتی یا به تعبیر استاد دلماس مارتی، علم پلیسی یا علم استراتژیک (راهبردی) یا جرم‌شناسی خطر، یا به‌عبارتی جرم‌شناسی قانون و نظم، گروهی از مجرمان یا جرائم را به این اعتبار که دشمن جامعه و خطرناک می‌داند، برجسته و مشمول مقررات کیفری و رویکرد خاصی در جرم‌شناسی می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۲) و درصدد جلوگیری از گسترش تکرار جرم، کاهش ترس از جرم، احساس امنیت و آرامش روانی شهروندان و کنترل بزه‌کاری، سزادهی و به عقب راندن بزه‌کار از صحنه اجتماع و بازداشتن وی از تکرار جرم و به مخاطره انداختن امنیت است و اگر قرار باشد بزه‌کار با مجازات و اعمال کیفر متنبه اعمال خود نشود، از مسیر تشدید مجازات در تکرار جرم و سلب توان بزه‌کاری وی، اقدام خواهد شد (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۵۸). این رویکرد، مبتنی بر رعایت اصل تناسب، اصل ثبات و اصل قطعیت مجازات‌هاست و برخلاف تصور رایج، سزادهی لزوماً به معنای تشدید مجازات نیست، بلکه به معنای کاستن از سستی و تزلزل اجرای آن‌ها و قطعیت بخشیدن به آن‌هاست (داودی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۷۴). ارمغان دیگر جرم‌شناسی امنیتی به حقوق کیفری این است که اقدام‌های تأمینی پردکننده و امنیتی را به‌تدریج دوباره به کیفر اضافه می‌کند. کیفر پاسخ به مجرمیت است، لکن اقدام تأمینی، که گاه در قالب مجازات در قانون پیش‌بینی و در حکم صادر و سپس اعمال می‌شود، پاسخ به حالت خطرناک بزه‌کار است که با مجازات سزادهنده برطرف نمی‌شود یا نشده است. به‌عبارت دیگر، کارکرد اقدام‌های تأمینی در جرم‌شناسی امنیتی، سلبی است، یعنی به‌دنبال خنثی‌سازی و توان‌گیری از بزه‌کار خطرناک و حتی افراد ریسک‌دار که در آستانه ارتکاب جرم هستند، است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۳). دیدگاه جدید کنترل جرم، که بزه‌کار را نه آلت فعل جامعه، بلکه کنشگری فعال که با آگاهی و محاسبه ارتکاب جرم را انتخاب کرده است می‌داند، به احتمال ارتکاب جرم و تکرار جرم افراد تکیه می‌کند و با توجه به معیار خطرناکی آنان، کنترل بزه‌کاری و مدیریت افراد یا گروه‌های در خطر را به‌منظور

تأمین امنیت جامعه و مردم در اولویت قرار می‌دهد. این سیاست‌های کنترل جرم به‌طور معمول با عنوان‌های عدالت‌سنجی، تخمینی یا آماری شناخته می‌شود. برای نمونه در خصوص عدالت‌سنجی^۷ گفته شده است که راهبرد آن شناسایی و مدیریت گروه‌های سرکش مجرم است و هدف آن محو جرم نیست، بلکه قابل تحمل ساختن آن از طریق نظام‌بخشی است (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۷۸). در این دوره، توجه بیشتر نظام‌های جزایی غربی به رویکرد سزادهی و کنترل جرم، جلب شده و سخت‌گیری نسبت به جرم، جنبش بین‌المللی است که امید می‌رود از طریق معتقد است جنبش سخت‌گیری نسبت به جرم، جنبش بین‌المللی است که امید می‌رود از طریق آن صلح همگانی و نظم دوباره برقرار شود (داودی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۸۱). برخلاف حقوق کیفری کلاسیک که بر پایه آموزه‌های مکتب دفاع اجتماعی، انسان مجرم دشمن جامعه تلقی نشده و شخصی محسوب می‌شد که به‌طور موقت از راه راست خارج شده و قابل اصلاح و بازگشت به جامعه بود، اما در حقوق کیفری مدرن یا دشمن‌مدار یا امنیت‌مدار، مجرم یک دشمن است و گفتمان مقنن و دولت خطاب به مجرم، نوعی گفتمان رزمی بر پایه طرد و اخراج از جامعه است (میلانی و اردکانی ارجمند، ۱۳۹۴: ۲۶). جنبش‌های بازگشت به کیفر در کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی را می‌توان در قانون امنیت داخلی فرانسه مصوب ۲۰۰۳ که نمودی از نظریه پنجره‌شکسته و تسامح صفر است یا در تأسیس وزارت امنیت داخلی در آمریکا مشاهده کرد. دیدگاه عدالت استحقاقی اخیراً بر مقررات کیفری انگلستان نیز تأثیر گذاشته و ثبات بیشتر مجازات‌ها را بر مبنای اصل تناسب عینی جرم و مجازات موجب شده است. قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱ این کشور (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵: ۴۶) و نیز قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ و قانون ادله کیفری و عدالت نوجوانان مصوب ۱۹۹۹ در انگلستان نیز مؤید این مطلب است. این تحولات در سیاست‌های کیفری کشورها، در حوزه جرائم عمومی نمود و بروز جدی داشته، ولیکن در حوزه جرائم امنیتی چندان نمود بارزی نداشته است، چراکه جرائم امنیتی از همان ابتدای امر با رویکرد مکافات‌گرا و با هدف عقیم‌سازی حالت خطرناک افراد در معرض جرم، بوده و اگرچه در برخی مقاطع دولت‌ها برحسب رعایت آزادی‌های فردی، راهبرد عقب‌نشینی و عدم مداخله را در پیش گرفته‌اند، در حوزه اعمال ضرر بار امنیتی، به‌سبب ایجاد ثبات در نظم عمومی و حاکمیت سیاسی به جرم‌انگاری حداکثری و توسعه‌طلب روی آورده‌اند (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۴).

بازگشت نگرش مجازات‌گرا را در بسیاری از کشورها، می‌توان تسری یافتن نگاه امنیت‌گرای آنان در جرائم امنیتی به سایر جرائم دانست که نگرش آنان در جرائم امنیتی آرام‌آرام، بر سایر جرائم سایه انداخته و این نگرش را به سایر جرائم تسری داده است. آنچه به برجستگی نگاه‌های امنیتی در حوزه مطالعات جرم‌شناسی و توجه به میزان خطرناکی مجرم منجر شده است، ظهور جرائم تروریستی یا به اصطلاح تجاوزهای تروریستی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۳). تولد پارادایم و الگوی امنیت‌گرایی در قلمرو حقوق کیفری لیبرال، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، افراط‌گرایی و عوام‌فریبی‌های به‌عمل‌آمده در خصوص لزوم امنیت‌گرایی، بسترهای تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در قبال برخی از موارد بزهکاری و بزهکاران را فراهم آورد. این امنیت‌گرایی دولت‌های غیراقتدارگرا در خصوص جرم، با رسوخ در اذهان و دیدگاه سیاستگذاران جنایی بسیاری از کشورهای مدعی دموکراسی، نگاه حاکم بر آنان را که پیش از آن به سمت و سوی شهروندمداری در حرکت بود، تغییر داده است (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۲). براساس نظریه امنیت‌گرایانه، تأمین امنیت به‌عنوان هدف اولیه و والای سیاست جنایی پذیرفته می‌شود و کیفرها باید به‌منظور ایجاد امنیت و آرامش و نشان دادن قدرت حاکمیت در شدیدترین شکل ممکن اجرا شوند و هرگونه تعدیل و تجدیدنظر در خصوص مجازات‌ها را مردود می‌پندارند (افشین‌پور و نقوی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۳۱). در سیاست جنایی امنیت‌گرا حق حیات، حق خلوت و حریم خصوصی و حق آزادی شخصی مورد تعرض قرار می‌گیرند و با اقدام‌های مربوط به مداخله در وضعیت ماقبل جنایی یا اقدام‌های پیشگیرانه وضعی، حق خلوت و حریم شخصی از طریق مداخله و رصد رفت‌وآمدهای عادی، خدشه‌دار می‌شود و به‌نوعی به ترس از بزه‌دیده واقع شدن نیز دامن خواهد زد (رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۵۴). در حال حاضر تفکرات امنیت‌محور در تمامی ابعاد و در عرصه‌های مختلف در حال گسترش است. نمود خارجی رشد چنین تفکراتی افزون‌بر گنجانیدن در برخی مقررات کیفری، حتی در قالب نصب تجهیزات امنیتی مانند دوربین‌های مداربسته در اماکن خصوصی و عمومی بدون در نظر گرفتن حق خلوت اشخاص محسوس است (میلانی و اردکانی ارجمند، ۱۳۹۴: ۲۶). جنبش تعدیل کیفرها در مورد مرتکبان جرائم علیه امنیت کمتر به اجرا درآمده است و هنوز شدیدترین مجازات‌ها در زرادخانه کیفری دولت‌ها به واکنش علیه جرائم علیه امنیت اختصاص دارد (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

سیاست کیفری کشورها در قبال جرائم امنیتی در نگاه کلان، تابع اهمیت یافتن تهدیدهای امنیتی آنان بوده است. از این رو تشدید مجازات‌های جرائم تروریستی در قیاس با سایر جرائم پس از بروز تهدیدهای تروریستی در جوامع مختلف قابل اشاره است. از سوی دیگر سیاست کیفری برخی کشورها به صورت منسجم و نظام‌مند و تعیین مجازات اشد برای جرائم شدیدتری که امنیت ملی را بیشتر تهدید می‌کند و مجازات اقل برای جرائمی که امنیت ملی را کمتر مورد تعرض قرار می‌دهد، شکل گرفته است. فارغ از منظر کیفرگرایانه، قانونگذاران تلاش کرده‌اند که سیاست هوشمندانه‌ای را در تقنین قوانین جزایی خود در حوزه امنیتی در راستای کاهش تهدیدهای امنیتی اتخاذ کنند که قوانین جزایی آنان متضمن حفظ حداکثری امنیت ملی آنان باشد و نقش پیشگیرانه توانمندتری را ایفا کند. در این زمینه حقوقدانان اصول متنوعی را برای قوانین مدنظر قرار داده‌اند که این اصول از حیث ثمربخشی تمایزی میان جرائم عمومی و امنیتی قائل نیست و برای تمامی قوانین جاری و ساری است. برای مثال برخی معتقدند که از نظر شکلی، نگارش قانون باید صریح، روشن، بدون ابهام، قابل فهم، موجز و شفاف باشد، از نظر ماهیتی نیز قانون باید عادلانه، منطبق با اخلاقیات، برخاسته از ضرورت‌های جامعه، قابل اجرا، هماهنگ با دیگر اجزای ساختار حقوقی و منطبق با اسناد بالادستی شامل قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی، همسو با اصول کلی حقوقی، دقیق، قابل پیش‌بینی، منطقی و عاقلانه باشد. الزامات شکلی و ماهیتی مذکور کاملاً به هم مربوط‌اند و عناصر مقوم قانون محسوب می‌شوند و قانونی را که از استانداردهای مذکور برخوردار باشد، می‌توان قانونی کارآمد به‌شمار آورد (جزائری، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰).

قوانین جزایی در حوزه‌های امنیتی مطابق سایر قوانین متأثر از اصول مذکور است و اگرچه اعتبار قانون در این حوزه منوط به مقبولیت همگانی یا حداکثری نیست، هر اندازه که این تبعیت‌ها بیشتر صورت پذیرد، ثمربخشی و کارآمدی آن قوانین تضمین‌شده‌تر است. از این رو لزوم مطالعه و بررسی جرائم امنیتی با این رویکرد، از ضرورت و ویژگی خاصی برخوردار است. تاکنون پژوهش‌ها، کتاب‌ها و مقالات متعددی در حوزه جرائم امنیتی نگارش یافته که می‌توان به کتاب‌هایی مانند جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی نوشته حسین میرمحمد صادقی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی اثر محمدرضا الهی‌منش، محسن مرادی اوجقاز، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی نوشته ضیاءالدین پیمانی، جرائم علیه امنیت و آسایش

عمومی اثر حسن پوربافرانی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی نوشته محمدرضا واعظی نژاد، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه امنیت اثر سید محمود مجیدی، قلمرو امنیت در حقوق کیفری نوشته حسین آقابابایی و ... و نگارش مقاله‌های متعددی از جمله «طرح براندازی در حقوق کیفری ایران، مصر و انگلستان» اثر حسین آقابابایی، «امنیت، آزادی شخصی و مدیریت خطر جرائم امنیتی» نوشته حسین آقابابایی، «مبانی و مدل کیفرگذاری تعزیری (مطالعه موردی در جرائم علیه امنیت)» نوشته جلیل محبی و زینب ریاضت، «مدیریت قانونی جهت جلوگیری از جرائم تروریستی و از ارتکاب آن‌ها در استان سیستان و بلوچستان» نوشته محسن فاتح و محمدحسین پوریانی، «مدیریت اجرای جرم محاربه و مقایسه با دیگر جرائم علیه امنیت» اثر محسن فاتح و محمدحسین پوریانی و «امنیت ملی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (بررسی جرائم امنیتی مستوجب حد در قانون جدید مجازات اسلامی)» نوشته سمیه اسدی اشاره کرد که جملگی به ابعاد متنوع جرم امنیتی از تشریح ابعاد آن با نظام‌های مختلف حقوق کیفری یا فقه و یا تحلیل و توصیف جرائم امنیتی پرداخته‌اند و ورودی به مسئله مذکور نداشته‌اند. با وجود حجم زیاد پژوهش‌ها در این حوزه، لکن بررسی نارسایی‌ها و اشکالات تقنینی در این جرائم، مورد مذاقه و ریشه‌یابی چندانی قرار نگرفته است. البته برخی محققان به‌صورت موردی به این مسائل پرداخته‌اند، از جمله دکتر جعفر یزدیان جعفری در مقاله «تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت»، به بررسی جایگاه اصول حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت، نقض برخی اصول ماهوی مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل مادی بودن جرائم، اصل عدم تأثیر انگیزه در عنصر معنوی، اصل شخصی بودن مسئولیت، اصل تناسب جرم و مجازات، اصل فردی کردن مجازات و نقض اصول شکلی نظیر اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت محاکم عمومی، اصل برائت و اصل علنی بودن رسیدگی پرداخته و مشروعیت یا عدم مشروعیت نقض اصول مذکور را مورد بحث قرار داده است، لکن بررسی قوانین کیفری مذکور از حیث اصول و روش‌های تقنینی از ابعاد مختلف واکاوی نشده است. از این‌رو بررسی قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم علیه امنیت از زاویه اصول پذیرفته‌شده قانون‌نویسی و تبیین نواقص و اشکالات موجود در این حوزه از زمره موضوعاتی است که مورد توجه محققان نبوده و نیاز است که در این خصوص تحقیقات بیشتری صورت پذیرد.

این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد داده‌های

مقتضی جمع‌آوری و سپس تحلیل شده و تلاش شده است که ضمن پاسخ به این پرسش که قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم امنیتی تا چه حد از اصول و قواعد حاکم بر قوانین و سیاست هوشمندانه در راستای پیشگیری حداکثری تبعیت می‌کند، با نگاهی به نظام حقوق کیفری ایران در جرائم علیه امنیت، ضمن اشاره‌ای گذرا به نظام کیفری فرانسه در این حوزه، به بیان شاخص‌ها، ابهامات و اشکالاتی که قانونگذار ایران در تدوین این قوانین به آن کم‌توجهی کرده است، پرداخته شود تا از این رهگذر قانون‌نویسان جمهوری اسلامی بتوانند با بازنویسی و بازبینی این قوانین، نواقص موجود را مرتفع سازند و کارآمدی قوانین کیفری در جرائم امنیتی را بهبود بخشند.

۱. مفاهیم و مبانی نظری (مفهوم جرم امنیتی)

جرم علیه امنیت در واقع فعل یا ترک فعل‌هایی است که هدف، موضوع و مجنی علیه آن در واقع امنیت است، از این رو تعریف این جرائم را باید در تعریف امنیت یافت، مع‌الوصف امنیت واژه سیالی است که مشابه بسیاری از مفاهیم کلی علوم انسانی مانند عدالت، آزادی و ... مؤلفه‌های مختلفی در تبیین آن نقش دارند و در زوایای مختلف، تعارف گوناگونی پیدا می‌کند و تعریف آن به تعاریف واژگان دیگری مانند تهدید، ترس، خوف و ... وابسته است. مفهوم امنیت در لغت فارسی به معنی بی‌خوفی، بی‌بیمی، ایمنی، جای امن، ایمن شدن و در امان بودن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۳۷۷) یا به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران (معین، ۱۳۸۸: ۱۳۵۴) یا در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن است. به معنای دیگر حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی یا هر تهدید و حمله را گویند (آشوری، ۱۳۸۶: ۳۸). کلمه امنیت در لغت عربی از ریشه «امن»، «استیمان»، «ایمان» و «ایمنی» گرفته شده و به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است (دری نجف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۲). در کتاب *لسان العرب* واژه امن در برابر خوف قرار داده شده (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۲۶). در قرآن کریم، آیات متعددی شامل کلمات «امن» و «آمن» و مشتقات دیگر این واژه که به معنای ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است، آمده است. قرآن کریم علاوه بر مشتقات کلمات مذکور به بیان کلمات مترادف نیز پرداخته است که نمونه آن کلمات مشتق شده از «سلم» است (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶۲).

معنای اصطلاحی امنیت نیز مشابه معنای لغوی آن است و می‌توان آن را به رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند تعبیر کرد. امنیت به صورت

وسیع، در مفهومی به‌کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدهای ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند. شایان ذکر است که معنای اصطلاحی امنیت به‌علت تسری این معنا در حوزه‌های مختلف و متعدد و ارزش‌ها یا سطوح متفاوتی که بحث امنیت در آن‌ها مطرح است، معانی مختلفی پیدا می‌کند (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۲۷) و به اقتضای موقعیت سیستم حکومت و عدالت کیفری، ارزش‌های مورد توجه آن متفاوت است و همه این تفاوت‌ها نشان از سیال و متنوع بودن مفهوم امنیت دارد (کوشکی و علیزاده سرشت، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

امنیت را در سطوح مختلفی نیز می‌توان مورد توجه قرار داد، از جمله سطح فردی، اجتماعی و ...، از سوی دیگر امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی است و در این میان امنیت ذهنی یا به اصطلاح امنیت پنهان که نسبت به سایر اشکال امنیت، همانند روح است، نسبت به جسم، کمتر مورد توجه واقع شده است. در تبیین دو وجه عینی ذهنی امنیت باید افزود که عموماً امنیت را در قالب تهدید نکردن تعریف کرده‌اند که امری عینی است، اما باید اضافه کرد که امنیت وقتی وجود دارد که احساس کنیم تهدیدی در کار نیست و این همان امنیت ذهنی است. از این‌رو امنیت شامل معانی اطمینان، عدم خوف، در امان بودن و نهراسیدن است و در بردارنده احساس امنیت در حالات و موقعیت‌های ذهنی، تا ایمنی و اطمینان خارجی در موقعیت‌های عینی و بیرونی است و وضعیت فیزیکی را با حالت فکری در هم می‌آمیزد. بدیهی است امنیت ذهنی و عینی، از بعد فردی به امنیت اجتماعی وابسته است (جزایری، ۱۳۹۴: ۳۱). فارغ از ابعاد متنوع امنیت، کلمه امنیت در مفهوم جرائم علیه امنیت ناظر بر امنیت اجتماعی و ملی است، و الا در حقوق کیفری، امنیت فردی موضوع جرائم علیه اشخاص و امنیت بین‌المللی موضوع جنایات بین‌المللی است (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۶۰). در جایی که امنیت به‌طور مستقیم موضوع بزه قرار می‌گیرد، از آن‌ها به بزه‌های بر ضدامنیت ملی یاد می‌شود (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۲۴).

۲. نابده‌انگاری بایسته‌های تقنینی (یافته‌های پژوهش)

یکی از رشته‌های مطالعات اجتماعی و کیفری، جامعه‌شناسی کیفری^۸ است که شاخه‌ای از جامعه‌شناسی حقوقی است و برخلاف جامعه‌شناسی جنایی^۹ که به بررسی واکاوی عوامل پیدایش

جرم با تمرکز بر عوامل جامعه‌شناختی می‌پردازد، در جامعه‌شناسی کیفری، به بررسی فرایند تولید، شکل‌گیری، عملکرد و کارکرد قوانین کیفری، نهادهای کیفری (ضابطان و مقامات قضایی)، قانونگذاری کیفری، مجریان عدالت کیفری و به‌طور کلی تحلیل تصمیمات قضایی، آثار مجازات‌ها در جامعه و ... پرداخته می‌شود. کارآمدی قوانین از مباحث مورد مطالعه در این حوزه است. قانون اگرچه نمودی از خواست حاکمیت است و چاره‌ای جز تمکین برای آن در میان توده‌های جامعه نیست، کارآمدی یک قانون بسترساز تمکین جامعه به آن قانون است. قوانینی که از سوی بسیاری از آحاد جامعه مورد توجه قرار نگیرد، هرچند از ابزار قهریه یا شدت مجازات زیادی نیز برخوردار باشد، لکن ناکارآمدی آن سبب عدم تمکین بخش زیادی از جامعه می‌شود. قانونگذاران برای حل برخی از این قوانین ناکارآمد به جرم‌زدایی می‌پردازند و عملاً با جرم‌زدایی، صورت مسئله را پاک می‌کنند. در صورتی که قانونی از مؤلفه کارآمدی برخوردار باشد، تمکین جامعه را نیز با کمترین ابزار قهریه و مجازات به آن تمکین می‌کنند. از این رو محققان معتقدند که قانونگذاری باید بر پایه اصول و الزامات شکلی و ماهوی استوار شود.

سابقه تقنینی ایران در حوزه جرائم علیه امنیت را به واسطه تأثیرپذیری کامل قوانین کیفری از متون فقهی، باید به صدر اسلام و سابقه در حدود ۱۴۰۰ سال دانست، این سابقه طولانی در کنار تجارت به‌دست‌آمده از نظام‌های حقوقی سایر کشورها، انتظارات از قانونگذاری را افزایش داده است. مع‌الوصف اشکالات جدی در قوانین کیفری ایران را می‌توان در حوزه جرائم امنیتی مشاهده کرد که در این نوشتار، به بخشی از این انتقادات پرداخته می‌شود.

۱-۲. نارسایی‌ها و ابهامات قوانین

قوانین کیفری اگرچه با مشخص کردن مجازات برای ناقضان هنجارهای رسمی کشور، تلاش دارند تقاص جامعه را از هنجارشکن‌ها بگیرند و با مجازات افکار عمومی جامعه را که لطمه دیده است، التیام بخشند یا آنکه به‌عنوان ضمانت اجرای هنجارهای رسمی سبب قوام و ثبات آن شوند، لکن هدف اصلی این قوانین، صیانت از این هنجارها و نقش پیشگیرانه است، چراکه هدف اصلی مقنن، دور ساختن جامعه از هنجارشکنی است. حال اگر این قوانین دچار نارسایی‌ها و ابهاماتی باشد و سبب سردرگمی جامعه شود، در عمل از هدف اصلی خود که پیشگیری است، فاصله معناداری می‌گیرد و در یک نقض غرضی بستر هنجارشکنی را فراهم می‌آورد.

بسیاری از محققان در خصوص قانون‌نویسی، اصولی را مطرح کرده‌اند که متضمن تمرینش‌تر بودن قوانین است. از این رو برخی محققان معتقدند که نگارش قانون از نظر شکلی، باید صریح، روشن، بدون ابهام، قابل فهم، موجز و شفاف باشد. از نظر ماهیتی نیز قانون باید عادلانه، منطبق با اخلاقیات، برخاسته از ضرورت‌های جامعه، قابل اجرا، هماهنگ با دیگر اجزای ساختار حقوقی و منطبق با اسناد بالادستی شامل قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی، همسو با اصول کلی حقوقی، دقیق، قابل پیش‌بینی، منطقی و عاقلانه باشد. الزامات شکلی و ماهیتی مذکور کاملاً به هم مربوط‌اند و عناصر مقوم قانون محسوب می‌شوند و قانونی را که از استانداردهای مذکور برخوردار باشد، می‌توان قانونی کارآمد به‌شمار آورد (جزایری، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰). لکن بررسی قوانین سیاسی و امنیتی در قوانین کیفری ایران گویای آن است که ابهامات جدی در این حوزه وجود دارد.

۱-۱-۲. پراکندگی تقنینی

قانونگذاری پراکنده، به معنای قانونگذاری موردی و متعدد، به‌ویژه اصلاحیه‌های مکرر به قوانین و الحاق مفاد جدید به قوانین پیشین، بدون دغدغه حفظ کلیت و سازگاری نظام حقوقی و دسترسی آسان مردم به قواعد حقوقی لازم‌الاجراست. این رویه به پدیده تورم قوانین یا تورم قانونگذاری^{۱۰} دامن می‌زند و یکی از آسیب‌های شایع نظام تقنینی شمرده می‌شود (مرکز مالگیری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۸). این مسئله به‌وضوح در جرائم علیه امنیت مشاهده می‌شود، اگرچه عمده این جرائم ذیل کتاب دوم (حدود) در فصل هشتم، مجاربه شامل مواد ۲۷۹ تا ۲۸۵ و فصل نهم، بغی و افساد فی‌الارض شامل مواد ۲۸۶ و ۲۸۸ و جرائم ذیل کتاب تعزیرات در فصل اول، در جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور شامل مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ و فصل دوم، اهانت به مقدسات مذهبی و سوءقصد به مقامات داخلی شامل مواد ۵۱۳ تا ۵۱۵ و فصل سوم، در سوءقصد به مقامات سیاسی خارجی شامل مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی احصا شده است، لکن به‌صورت پراکنده نیز در کتاب تعزیرات مورد اشاره قرار گرفته است و می‌توان به موارد متعددی از جمله تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت (ماده ۶۱۰)، آتش زدن اموال به قصد مقابله با حکومت اسلامی (ماده ۶۷۵)، نهب و غارت و اتلاف اموال به‌صورت جمعی (ماده ۶۸۳)، خرابکاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی به‌منظور اختلال در نظم و امنیت عمومی (ماده ۶۷۸)، تظاهر، قدرت‌نمایی، هیاهو و جنجال (ماده ۶۱۷)،

جعل اسکناس، سکه، اوراق و اسناد بهادار (ماده ۵۲۶) و ... اشاره کرد. افزون بر پراکندگی مواد مرتبط با جرائم امنیتی در قانون مجازات اسلامی، قوانین متعددی نیز به تصویب رسیده که در آن‌ها موارد مختلفی از جرائم امنیتی مورد تقنین قرار گرفته است؛ از جمله در قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه‌آهن مصوب ۱۳۲۰/۰۱/۳۱، قانون در خصوص مجازات اخلاالگران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶/۰۶/۱۶، قانون مجازات اخلاالکنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیما مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴، قانون مجازات اخلاالکنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲، قانون مجازات اخلاالگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳/۰۲/۰۲، قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ (اصلاحی ۱۳۸۴)، قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ و قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۰۷ و ... قابل اشاره است.

قانونگذاری متمایز در حوزه جرائم علیه امنیت، صرفاً در خصوص جرائم نیروهای مسلح (قانون نیروهای مسلح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۵) به واسطه تمایز نیروهای مسلح از شهروندان عادی منطقی به نظر می‌رسد، لکن در سایر موضوعات سبب پیدایش اشکالات مختلفی می‌شود که به آن پرداخته خواهد شد. با وجود این صرف این پراکنده تقنینی نیز به عنوان یکی از اشکالات مجزای قوانین قابل اشاره است. قانونگذاری پراکنده را می‌توان از آسیب‌های مبتلا به نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران دانست. با تتبع در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به موارد متعددی برخورد می‌کنیم که از مصادیق قانونگذاری پراکنده شمرده می‌شود (مرکز مالگیری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

۲-۱-۲. تعارض یا تناقض قوانین

تعارض و تناقضات قانونی از نتایج پراکنده تقنینی است که این تناقضات در جرائم علیه امنیت به وضوح قابل مشاهده است. قانونگذار جمهوری اسلامی ابتدا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ کلیات، حدود، دیات و قصاص را جرم‌انگاری و در باب هفتم کتاب حدود، در مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶ موضوع محاربه و افساد فی الارض را تبیین کرده است. در رویکرد این قانون، محاربه، افساد فی الارض و بغی به عنوان یک عنوان عام محاربه جرم‌انگاری شده که سبب انتقاد بسیاری از حقوقدانان و فقیهان قرار گرفته است. از این رو در قانون جدید مجازات اسلامی که

در سال ۱۳۹۲ تصویب شده، ضمن تمایز این عناوین به تبیین آنان در ذیل فصل هشتم کتاب حدود (محاربه) در مواد ۲۷۹ تا ۲۸۵ و فصل نهم کتاب حدود (بغی و افساد فی الارض) در مواد ۲۸۶ تا ۲۸۸ پرداخته شده است و برخلاف نگرش برخی فقیهان که یکی از عناصر مادی جرائم امنیتی را مسلحانه دانسته‌اند، در تعریف جدید خود، در عنصر مادی جرم محاربه، مطابق نگرش بسیاری از فقیهان از ضابطه دست به سلاح بردن تبعیت کرده است و برخی از مصادیق محاربه را از جمله نامزد شدن برای تصدی یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا که طبق ماده ۱۸۸ ق.م.ا. ۱۳۷۰ به‌عنوان یکی از مصادیق محاربه ذکر شده بود، حذف نمود. این اقدام اگرچه ارزنده محسوب می‌شود، قانون مجازات اسلامی را دچار تناقضات تقنینی کرده است. قانونگذار در ق.م.ا. ۱۳۹۲ از ضابطه دست به سلاح بردن بهره گرفته، درحالی‌که در مصادیق مختلفی که در سایر قوانین از جمله کتاب تعزیرات ق.م.ا. ۱۳۷۵ برای محاربه گرفته شده است، در تعارض است. از جمله این موارد می‌توان به ماده ۵۰۴ ق.م.ا. اشاره کرد که تحریک مؤثر نیروهای مسلح به عصیان و ... به‌منظور براندازی و یا پیروزی دشمن را از مصادیق محاربه دانسته، درحالی‌که در تحریک ضابطه دست به سلاح بردن وجود ندارد و بنابر تعریف ق.م.ا. ۱۳۹۲ این امر صرفاً از حیث معاونت باید جرم تلقی شود و اگر هم قانونگذار تصمیم به جرم‌انگاری مستقل معاونت در جرمی دارد، باید آن معاونت با جرمی که آن را از مصادیق آن برشمرده است، قرابت مفهومی داشته باشد. این ناهمخوانی مفاهیم با مصادیق ذکرشده در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز شدت بیشتری یافته است، چراکه در این قانون هریک از ضابطه‌های نوعی (موجب اخلال در امنیت و ...) و شخصی (به‌منظور براندازی) به‌تنهایی مورد تأکید قرار گرفته و عملاً برخی از مصادیق ذیل عنوان محاربه، چندان سنخیتی با تعریف ارائه‌شده از محاربه ندارد و حتی شامل ترک فعل، معاونت، تبانی، اعمال مقدماتی و شروع به جرم نیز شده است. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ✓ تبانی با دشمن به‌منظور براندازی نظام (بند «ب» ماده ۲۱)؛
- ✓ کمک یا جمع‌آوری نیرو یا تحریک یا فراهم آوردن جذب نیرو برای دشمن و گروه‌های محارب به‌منظور براندازی (بند «ج» ماده ۲۱)، تحریک به عصیان و فرار ... یا مخفی کردن فراریان (ماده ۲۳)، تحریک به تخریب یا آتش زدن وسایل و تجهیزات نظامی (مواد ۹۳ و ۹۴)؛

- ✓ ترک فعل‌هایی (ترک وظایف و مسئولیت‌ها) که موجب ضرر معتنا بهی می‌شود (ماده ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۳، ۴۴ و بند «الف» ماده ۵۱)؛
- ✓ سرپیچی نظامیان مسلح از اطاعت مافوق به صورت دسته‌جمعی یا تبانی (بند الف ماده ۳۳)
- ✓ عدم اجرای دستورهای سازمان‌های ذی‌صلاح (ماده ۳۹)؛
- ✓ برخی از مصادیق فرار انفرادی (ماده ۶۱ تا ۶۵ و ۷۱ تا ۷۳)؛
- ✓ فرار جمعی (بیش از دو نفر) با تبانی (ماده ۷۴)
- ✓ ارائه گزارش خلاف واقع (بند «الف» ماده ۷۸)؛
- ✓ فروش و حیف‌ومیل و اگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح (ماده ۸۷)؛
- ✓ سرقت وسایل و تجهیزات نظامی (ماده ۹۲)؛
- ✓ توزیع اقلام خوراکی و دارویی تقلبی (ماده ۱۱۵).

افزون بر موارد مذکور می‌توان به برخی از اقسام جاسوسی (بندهای «الف و ج» ماده ۲۴) یا موارد مشابه آن مانند افشای پایگاه یا تأسیسات و تجهیزات نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی (بند «الف» ماده ۲۱) نیز اشاره داشت که برای آنان مجازات محارب در نظر گرفته شده است. اگرچه فقها بر سر حدی بودن یا تعزیری بودن جاسوس اختلاف نظرهایی دارند و برخی آن را مستوجب اعدام دانسته و به برخی روایات نیز استناد کرده‌اند، لکن از این جرم تحت عنوان محاربه استفاده نکرده‌اند. شاید چنین برداشت شود که قانونگذار در ق.م.ن.م برای حل این مشکل تلاش داشته از عنوان «مجازات محارب» استفاده کند که به شکلی عناوین مذکور را تحت عنوان محاربه تلقی نکرده است. از سوی دیگر مجازات محارب را برای آنان در نظر گیرد تا از این رهگذر از تناقضات مذکور نجات یابد، لکن این راهکار نیز با توجه به اینکه حدود در شرع مقدس مشخص‌اند و نمی‌توان عناوین مشابه برای آنان ترسیم کرد، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

تعارضات تقنینی قانونگذار در حوزه جرائم علیه امنیت، سبب شده است که برخی معتقد باشند با نگاهی بر قوانینی که درباره در حکم محارب بودن ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار ایران برای شمول عنوان محاربه نسبت به عمل مرتکب، بیش از آنکه به ضابطه دست به اسلحه بردن توجه کند، به آثار جرم (ضابطه نوعی) یا قصد فاعل (ضابطه شخصی) که همان

ایجاد اختلال و بر هم زدن امنیت و ... است، توجه کرده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۲). تعارضات و تناقضات قوانین را در جرائم دیگری نیز می‌توان مشاهده کرد، قانونگذار در سال ۱۳۷۰ در جرم‌انگاری جرائم سازمان‌یافته امنیتی، در مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ ق.م.ا (منسوخ‌شده) عضویت و هواداری را که آگاهانه و همراه با تلاش مؤثر باشد و هر نوع پشتیبانی را در شکل‌های سازمان‌یافته مسلح، ولو آنکه در شاخه نظامی آن نباشند، جرم‌انگاری حداکثری کرد و آنان را محارب دانست. بعدها در سال ۱۳۷۵ در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ ق.م.ا صرف عضویت (عنصر مادی حالت) را در گروه‌های غیرمحارب جرم‌انگاری کرد و هیچ‌گونه قیدی مانند همراه با تلاش مؤثر برای آن قرار نداد، درحالی‌که موضوع این ماده گروه‌های غیرمحارب بود که به‌مراتب از گروه‌های محارب عنوان خفیف‌تری دارد. اگر عضویت در تشکل یا گروه به قصد برهم زدن امنیت جرم باشد، به طریق اولی باید عضویت در گروه، تشکل محارب نیز جرم باشد، اما قانونگذار آن را جرم‌انگاری نکرده و آن را با مقید به تلاش تأثیرگذار کرده بود. همچنین ماده ۱۸۶ علاوه بر عضویت، دایره جرم را به هواداران دارای فعالیت مؤثر نیز تسری داده و آن را با اشد مجازات جرم‌انگاری کرده است، لکن برای هواداران دارای فعالیت غیرمؤثر نیز هیچ‌گونه جرم‌انگاری نداده بود که این امر بیانگر نگاه صفر و صدی به جرم و مجازات و عدم تناسب جرم و مجازات بوده است. این مسئله در سال ۱۳۹۲ مرتفع شد و قانونگذار در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ ق.م.ا عضویت در گروه‌های مسلحانه (باغی) را جرم‌انگاری کرده و قید فعالیت مؤثر را نیز حذف کرد که این تعارض با ماده ۴۹۹ مرتفع شود. از سوی دیگر همانند ماده ۴۹۹ برای هیچ نوع از هواداران جرم‌انگاری صورت نگرفت که بیانگر تغییر نگاه مقنن به این مسئله از تسامح صفر به تسامح حداکثری در این خصوص است.

۳-۱-۲. ابهام و کلی‌گویی عناوین مجرمانه

اصل کلی در حقوق جزای امروز آن است که قانون باید صریح و روشن باشد و جا برای تفسیر و تعبیر باقی نگذارد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۹). از نظر شکلی، نگارش قانون باید صریح، روشن، بدون ابهام، قابل فهم، موجز و شفاف باشد (جزایری، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰). بی‌تردید قوانین کیفری به‌دلیل حساسیت و اهمیت ویژه‌ای که دارد، باید روشن و بدون ابهام نوشته شود و این وظیفه در مواردی که با مجازات سنگینی مثل اعدام مواجهیم، طبعاً مضاعف می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۳). یک قانون متناقض، مبهم یا مغلق، موجب سردرگمی مجریان و

تابعانی خواهد بود که می‌خواهند و باید قانون را به اجرا درآورند یا از آن پیروی کنند (راسخ، ۱۳۸۴: ۳۳). با آنکه این اصل از شاخص‌های اصلی تدوین قوانین است، لکن با بررسی اجمالی جرائم علیه امنیت می‌توان به‌وضوح سردرگمی، ابهام و کلی‌گویی را در این قوانین مشاهده کرد که در عناوینی مانند افساد فی‌الارض نمایان است که مفهومی کلی بدون ارائه ملاک‌ها و حدود و ثغور آن‌ها جرم‌انگاری شده است. برای مثال قانونگذار در ماده ۲ مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور به بیان دو قسم از اخلاالگران در نظام اقتصادی پرداخته و از حیث عنصر مادی دو نوع اخلاال را تصور کرده است که یکی اخلاال در حد افساد فی‌الارض و دیگر اخلاال با شدت کمتر که موجب افساد نمی‌گردد، است. لکن معیاری را برای تشخیص شدت اخلاال، معلوم نکرده و تشخیص آن را به قاضی محول کرده است. چنین شیوه قانون‌نویسی، زمینه اعمال سلیق شخصی قضات را فراهم می‌کند و امکان نقض آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی افراد را گسترش می‌دهد. شاید بتوان گفت که رشد و تحولات گسترده در عرصه اقتصادی کشور وجود شرایط متعدد زمانی و مکانی تأثیرگذار در اطلاق اخلاال، سبب شده است که قانونگذار بهترین گزینه را که واگذار کردن تشخیص موضوع به قاضی است، برگزیند و اگر قانونگذار اقدام به احصا و محدود کردن و بیان معیارهای خاص می‌کرد، با مرور زمان دچار مشکلات عدیده و عدم تطبیق با زمان و مکان‌های مختلف پدیدار می‌شد که عملاً این قانون را با چالش‌هایی جدی مواجه می‌کرد یا شاید با استناد به اینکه قانونگذار ضمن احاله این موضوع به تشخیص قاضی، در تبصره ۲ ماده ۱ این قانون، نظر کارشناسان را نیز مورد توجه قرار داده است، بتوان کلی‌گویی و ابهام تقنینی مذکور را توجیه کرد، لکن باید پذیرفت که این اقدام از مصادیق ابهام قانون است که تبعات سوئی مانند تمایز احکام دادگاه‌ها در پرونده‌های مشابه را نیز به‌همراه دارد. واژه‌های گسترده، شدید، عمده و وسیع که در چنین ماده‌هایی به‌کار رفته‌اند، تعریف دقیق و روشنی ندارد و هر قاضی ممکن است تعریف خاص خود را از آن‌ها ارائه دهد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۳). از سوی دیگر فزونی و بی‌ثباتی قوانین، بی‌دقتی در تدوین و محتوای قانون و ابهامات در شرایط اعمال آن، برای شهروندی که ناگهان با اعمال قانون روبه‌رو می‌شود، ناامنی حقوقی ایجاد می‌کند که گاهی قابل تحمل نیست (متیو، ۱۳۹۱: ۱۳۵). حقوق کیفری اقتصادی ایران از شفافیت لازم برخوردار نیست. واژگان مبهم و کلی در مهم‌ترین متن قانونی جرائم اقتصادی مانند اخلاال، عمده، کلان و فراوان بدون تعریف و تعیین

قلمرو آن سبب تفسیرهای گوناگون و سردرگمی قضات، شکات، متهمان و وکلای آنها می‌شود و در نهایت موفقیت لازم در مبارزه با جرائم اقتصادی را به دنبال ندارد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۳). برخی محققان نیز با توجه به این ابهام و کلی‌گویی در حوزه امنیت، انتقادهایی را مطرح و بیان می‌کنند که مقنن در تقابل بین آزادی و امنیت، دامن امنیت را می‌گیرد و با جرم‌انگاری گسترده و خارج از ضوابط جاافتاده حقوق کیفری سعی در حفظ و تداوم ارزش‌های مدنظر خویش دارد (کوشکی و علیزاده سرشت، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۴-۱-۲. جزئی‌نگری (عدم جامعیت)

نظام حقوق کیفری ایران، هرچه در حوزه جرائم سخت، شدت عمل و افری به خرج داده، در حوزه جرائم نرم، نگرش مسامحه‌آمیزی داشته است. نظام کیفری ایران ضمن تلفیق خیانت به کشور با جاسوسی، مفهوم مضیقی از خیانت به ملت و کشور جهت خدمت به بیگانگان تحت عنوان جاسوسی جرم‌انگاری کرده و سایر نمونه‌های آن را جرم‌انگاری نکرده است، درحالی‌که خیانت به کشور عبارت است از خیانت به کشور فعل عمدی یک فرد ایرانی یا خارجی در خدمت دولت ایران است که منافع یک قدرت بیگانه را در زمان صلح یا جنگ به زیان مملکت، تأمین می‌کند و امنیت کشور را به مخاطره می‌اندازد (گلدوزیان، ۱۳۶۹: ۳۲۸) یا سوء قصد بر ضد امنیت کشور به وسیله ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و استقلال است (گارو، ۱۳۴۴، ج ۳: ۶۹۷) یا عمل منافی با امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی هر شخص ایرانی یا خارجی مأمور به خدمت در ایران، به قصد اضرار به امنیت کشور و نفع کشور دیگر، خیانت به کشور محسوب می‌شود (ساریخانی، ۱۳۷۸: ۳۷).

قانون مجازات فرانسه، در کتاب چهارم (جنایات و جنحه‌ها علیه ملت، دولت و آسایش عمومی)^{۱۱} که کتاب جرائم علیه امنیت است، جرم جاسوسی را به عنوان اولین عنوان مجرمانه ذیل فصل اول تعدیات نسبت به مصالح اساسی ملت^{۱۲}، در گفتار مجزا با عنوان خیانت و جاسوسی^{۱۳} مورد بحث قرار داده که این امر بیانگر توجه قانونگذار فرانسه به اولویت‌بندی جرائم در حوزه جرائم علیه امنیت است. قانونگذار فرانسه جرم جاسوسی را در شش عنوان مجزا شامل تسلیم همه یا بخشی از اراضی ملی، نیروهای مسلح یا لوازم و تجهیزات به یک قدرت خارجی، همدستی با یک قدرت خارجی، تسلیم اطلاعات به یک قدرت بیگانه، خرابکاری، تهیه اطلاعات ساختگی و تحریک به ارتکاب جرائم مذکور، تقنین کرده و زوایای

مختلف آن را جرم‌انگاری کرده است و نه تنها ارائه اطلاعات، بلکه در اقدامی پیشگیرانه، هرگونه مذاکره با بیگانگان، گردآوری اطلاعات، تصدی فعالیت به‌منظور کسب و تسلیم اطلاعاتی به تعرض به منافع بنیادین منجر خواهد شد و یا تهیه اطلاعات ساختگی را با هدف خدمت بیگانگان را ذیل عنوان جاسوسی و خیانت به کشور جرم‌انگاری کرده است. با نگاهی گذرا به قوانین کیفری کشورمان در حوزه جاسوسی، می‌توان نگرش جزئی‌نگر قانونگذار را در قوانین موضوعه مشاهده کرد، قانونگذار تلاش کرده است در حوزه‌های اطلاعات و ضد اطلاعات، تنها موضوع ارائه اطلاعات را جرم‌انگاری کند و توجهی به همکاری یا تأثیرگذاری در تصمیمات و مصوبات نظام با هدایت دشمن و صور دیگر جاسوسی نکرده است. قانونگذار ایران در ماده ۵۰۱ ق.م.ا ارائه اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت، به‌نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد (یک تا ده سال حبس)، در ماده ۵۰۳ ق.م.ا، ورود غیرمجاز به اماکن ممنوعه برای کسب اطلاعات یا نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکس‌برداری از اماکن ممنوعه (شش ماه تا سه سال حبس)، در ماده ۵۰۵ ق.م.ا، جمع‌آوری اطلاعات با پوشش مسئولان و مأموران و در ماده ۵۰۶ ق.م.ا، بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی از سوی مأموران (یک تا شش ماه حبس) را جرم‌انگاری کرده که جملگی از مصادیق جمع‌آوری و ارائه اطلاعات به بیگانگان هستند. همچنین در ماده ۵۱۰ ق.م.ا، اختفا یا کمک به اختفا (از شش ماه تا سه سال حبس) یا جذب و معرفی جاسوسان به بیگانگان را (از شش ماه تا دو سال حبس) جرم‌انگاری کرده است. البته صرفاً در مواجهه با دولت‌های متخاصم دایره جرم را وسیع‌تر کرده و تبانی و همکاری با کشورهای متخاصم را در ماده ۵۰۸ ق.م.ا جرم‌انگاری و آن را ذیل عنوان محاربه دانسته است که این محدود بودن موضوع جرم به صرف تبانی با کشورهای متخاصم، با تفسیر شورای امنیت ملی به کشورهای آمریکا و اسرائیل محدودتر نیز شد. این تحدید همکاری موجب شده است بسیاری از افراد از این خلأ قانونی بهره بیشتری ببرند و به‌راحتی از چنگ قانون فرار کنند، برای توضیح این موضوع این نکته ضروری است که در عصر کنونی عرصه اطلاعات به کشورهای ذی‌نفع از اطلاعات محدود نمی‌شود و به تجارتی جهانی تبدیل شده است. کشورهای کوچک حتی عقب‌افتاده‌ای مانند کشورهای قاره آفریقا نیز امروزه با کسب اطلاعات اقدام به فروش آن به‌عنوان راه درآمدی می‌کنند، حتی بسیاری از سرویس‌های جاسوسی غربی با همکاری با دولت‌های متخاصم (آمریکا و اسرائیل) به‌عنوان واسطه برای

کشور مذکور فعالیت می‌کنند، از این رو محدود کردن همکاری با دولت متخاصم در قانون ما چندان موجه به نظر نمی‌رسد، چراکه امروزه بسیاری از افراد نقش عمال دستگاه‌های جاسوسی را ایفا می‌کنند، ولیکن قانونگذار با عدم جرم‌انگاری این همکاری‌ها، به نوعی دست این افراد را برای این اقدام‌ها باز نگاه داشته است. شاید یک مثال فرضی برای این همکاری بهتر بتواند نگرش نگارنده را روشن سازد، تصور کنید فردی که با دستگاه‌های اطلاعاتی دشمن ارتباط گرفته است، طرح عملیاتی را برای موضوعات سیاسی، اقتصادی و ... در کشور تهیه و ارائه کند و با استفاده از نفوذ خود بتواند آن را به کل کشور ابلاغ کند یا آنکه با ارائه اطلاعات غلط و هدایت‌شده سبب فریب تصمیم‌گیران در نظام شده و به صدور دستورهایی به زیان نظام منجر شود. یا تصور کنید فردی از مسئولان یا حتی رئیس‌جمهور توسط دستگاه اطلاعاتی جذب شود یا فردی که جذب شده است، بتواند رئیس‌جمهور یا وزیر و ... شود و بدون آنکه اطلاعاتی به سرویس جاسوسی ارائه کند، تنها با تبعیت از فرمان‌های آن‌ها در هدایت کشور، کشور را به انحطاط بکشاند، حال با توجه به لطمات گسترده این اقدام‌ها این سؤال مطرح می‌شود که این قبیل اقدام‌های خائنانه تحت چه عنوانی در قوانین کیفری ما قابل تعقیب است؟ متأسفانه تنها در سه صورت فرد قابل پیگرد قضایی است: الف) فرمان‌های وی مجرمانه باشد (که کمتر قابل تصور است)، در این صورت تنها به سبب جرم آن کار محکوم می‌شود، ب) کشور مذکور از کشورهای متخاصم باشد، محکوم به همکاری با دولت متخاصم می‌شود، این فرض تنها شامل همکاری با آمریکا و اسرائیل است و شامل انگلیس و سایر کشورها نمی‌شود. این در حالی است که بسیاری از کشورها و سرویس‌های اطلاعاتی تلاش می‌کنند با جلب همکاری افراد به نفع کشور خود بهره بگیرند یا آنکه در صورتی که این همکاری نفعی عاید کشورشان نمی‌کند، به عنوان واسطه و تجارت، برای دیگر کشورها دست به چنین اقدامی بزنند. متأسفانه در چنین صورتی فرد تحت هیچ اقدام مجرمانه‌ای قابل پیگرد نیست.

قانونگذار در ماده ۵۰۸ ق.م.ا، افزون‌بر محدود کردن همکاری با کشورهای خارجی و منحصر کردن آن به متخاصم، برخلاف قانونگذار فرانسه که به جای استفاده از واژه کشورهای بیگانه دایره وسیع‌تری را مدنظر گرفته و قدرت خارجی، شرکت یا سازمان بیگانه یا تحت کنترل بیگانه یا با مأموران‌شان را ذکر کرده، صرفاً به کشورهای بیگانه بسنده کرده است. این در حالی است که بسیاری از مأموران و نهادهای اطلاعاتی با پوشش‌های موجه یا حتی با عناوین

تجاری مبادرت به اقدام‌های اطلاعاتی می‌کنند که این امر در قانون کیفری ایران جرم‌انگاری نشده است.

۲-۲. اثربخشی معکوس قوانین و تشدید هنجارشکنی

تبعیت قوانین از اصول شکلی اگرچه اهمیت دارد، ثمربخش بودن آن از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است. همان‌طور که اشاره شد، هدف غایی قوانین کیفری، جلوگیری و پیشگیری اولیه از ارتکاب جرم و هنجارشکنی است. همچنین با مجازات مجرم و هنجارشکن، هدف دیگر آن پیشگیری ثانویه از ارتکاب جرم توسط فرد بزهکار است. از این رو قوانین کیفری را باید در یک منظومه فکری کلان ترسیم کرد که علاوه بر هماهنگی کامل میان قوانین آن، ثمربخشی، لااقل از حیث نظری تحقق‌پذیر باشد. حال اگر قوانین به صورت جزایری جدا از یکدیگر بدون نگاه هماهنگ و در چارچوب یک هدف غایی تدوین شود، ثمره آن نقض غرض‌ها و ثمربخشی حداقلی یا معکوس خواهد بود. با بررسی قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم سیاسی و امنیتی می‌توان به برخی از این عدم توازن، ناهماهنگی‌ها و نقض غرض‌ها که ثمره آن کاهش اثربخشی قوانین و حتی در مواردی تحریک جامعه به سمت فضای آنومیک می‌شود، برخورد که نیازمند اصلاح و تجدیدنظر در قوانین کیفری را ضروری ساخته است.

۲-۲-۱. برچسب‌زنی نامتقارن

نظریه برچسب‌زنی^{۱۴} از نظریات مطرح جرم‌شناختی است که با عناوین مختلفی چون تعامل‌گرایی، ساختارگرایی، نهادگرایی، انگ‌زنی و لکه‌دار کردن نیز شناخته می‌شود. این نظریه که برگرفته از کتاب جرم و اجتماع^{۱۵} فرانک تانن بام^{۱۶} در سال ۱۹۳۸ بود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۳: ۱۵۱)، توسط ادوین لمرت^{۱۷} و هوارد بکر^{۱۸} بنا نهاده شد (غلامی، ۱۳۸۲: ۱۷۶). لمرت در سال ۱۹۵۱ در کتاب *آسیب‌شناسی اجتماعی*^{۱۹} و بکر در کتاب *جامعه‌شناسی انحراف*^{۲۰} (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳-۱۳۷۴: ۲۰۰)، سپس در کتاب دیگرش به نام *حاشیه‌نشینان* این نظریه را تبیین کردند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۶۳۷). نظریه برچسب‌زنی که از نظرهای پوزیتیویسمی است، نوعی واکنش اجتماعی را تبیین می‌کند و بر پایه آن، انحراف کیفیتی از واکنش است و ذات یک رفتار نیست، اگر واکنشی وجود نداشته باشد، انحرافی وجود ندارد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۳: ۱۶۳). براساس آن واکنش جامعه در قبال جرائم سبک و اتفاقی اولیه که از آن با عنوان انحراف اولیه یاد می‌شود، سبب می‌شود که بعضی مجرمان با عدم اغماض و الصاق برچسب بزهکار

مواجه شوند و برخوردی تحقیرآمیز و طردکننده را در جامعه تجربه کنند. وقتی شخص دستگیر و محاکمه و در نهایت محکوم می‌شود، جامعه طی این فرایند شخص را به‌طور رسمی و گسترده مجرم معرفی می‌کند (ولد، توماس و جفری، ۱۳۸۰: ۳۰۱). دیدگاه برجسب‌زنی، به آثار وارد آمدن برجسب بر روند رشد و تحول روانی و اجتماعی مجرمان اشاره دارد. اگر بر شخصی رسماً انگ کجرو، خلافکار یا مجرم وارد آید، ممکن است موجب شود که او به شکلی متناسب با آن برجسب رفتار کند (وایت و هینز، ۱۳۸۵: ۱۸۶) و اگرچه حفظ یک خودانگاره هنجارگرا، برای اغلب مردم خیلی مهم است، لکن ممکن است شخص در این شرایط تصویر داده‌شده از سوی جامعه را بپذیرد و براساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر دهد و خودانگاره مجرمانه در وی شکل گیرد و هرچه دفعات برجسبی که فرد می‌خورد بیشتر باشد، احتمال اینکه خودانگاره مجرمانه بگیرد، بیشتر می‌شود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۳: ۱۵۸). دفاع فرد برجسب‌خورده در مقابل حمله‌های واکنش اجتماعی موجب می‌شود فرد برای کاهش فشارهای ناشی از برجسب مجرمانه، آن را بپذیرد زیرا کسانی که خود را کاملاً مجرم تصور می‌کنند، هنگامی که دیگران آن‌ها را با این عنوان‌ها معرفی می‌کنند، کمتر تهدید می‌شوند (ولد، توماس و جفری، ۱۳۸۰: ۳۰۲). به تعبیر دیگر، استمرار برجسب مجرم، سبب پذیرش تدریجی آن و ایجاد خودانگاره‌ای مجرمانه در شخص می‌شود و سرانجام او را به انحراف ثانویه و عضویت در خرده‌فرهنگی مجرمانه و ارتکاب جرائم گسترده‌تر و بیشتر، در قالب حرفه‌ای مجرمانه، سوق خواهد داد. اگرچه این نظریه در مبنای نظری خود بر نسبی بودن رفتار مجرمانه که براساس آن هیچ رفتاری را نمی‌توان به‌خودی‌خود بد قلمداد کرد، مبتنی است و طبق این نظریه، جرم ساخته و پرداخته گروه‌های خاصی است که واقعیتی عینی در جامعه ندارد (حسینی و متولی‌زاده نائینی، ۱۳۹۱: ۱۳۵)، لکن گویای یک‌سری از زوایای پیدایش رفتار مجرمانه و علل و بسترهای آن است که سبب می‌شود فشار اجتماعی ناشی از برجسب مجرمانه، نقش مؤثری در پیدایش بزهکاران حرفه‌ای داشته باشد.

نظریه برجسب‌زنی اگرچه در خصوص جرائم خرد و سبک به‌کار رفته و جرائم پرخطر را چندان واکاوی نکرده است، با بهره‌گیری از این نظریه می‌توان جرائم امنیتی را نیز واکاوی کرد. در جرائم امنیتی اگر فرد دچار انحراف اولیه شود، لکن آن انحراف اولیه او از شدت چندانی برخوردار نباشد، در چنین وضعیتی اگر فرد کجروی امنیتی با مجازات شدیدی مواجه شود و

در جامعه نیز به عنوان مجرم امنیتی معرفی شود، ناخواسته دچار فشار روانی می‌شود و این خودانگاره ناقص امنیت در وی تقویت شده و ارتکاب جرائم شدیدتر امنیتی برای وی تسهیل می‌شود، برای مثال فردی که در دعوی خیابانی با چاقو، قدرت‌نمایی می‌کند و موجب ایجاد رعب و وحشت می‌شود، اگر با عنوان محارب، مجازات شود، ولو آنکه در میزان جرم وی، به واسطه عدم سوء پیشینه یا عوامل مخففه دیگر، تخفیف‌هایی قائل شوند، شخص دچار برچسب مجرم امنیتی شده و در مراحل بعد ارتکاب جرائم امنیتی شدیدتر برای وی تسهیل می‌شود. در صورتی که اگر قانونگذار در تبیین جرائم، جرائم سبک‌تر را تحت عناوین دیگری قرار دهد و از عناوین شدید امنیتی برای آن بهره نگیرد، این مسئله تا حدودی تسهیل شده و برچسب مجرم امنیتی به واسطه جرائم سبک الصاق نمی‌شود.

اگرچه ارتکاب جرم فی‌نفسه عمل ضداجتماعی و در تعارض با منافع عموم جامعه و نیز شخص بزه‌دیده است، واکنشی که قانون در مقابله با این پدیده ضداجتماعی در نظر گرفته است، باید به گونه‌ای باشد که مجرم را علاوه بر تنبیه متوجه اشتباه خود ساخته و فرصت دوباره زیستن در جامعه را مطابق هنجارهای پذیرفته‌شده، برای وی فراهم سازد (جزایری، ۱۳۹۴: ۳۱۳). در حالی که قانونگذار با حداکثری کردن و برچسب امنیتی زدن به کجروی و انحراف اولیه فرد که دامنه خطر آن محدود به چند نفر است، فضای ذهنی بزهکار را تحت فشار این عنوان مجرمانه شدید قرار می‌دهد که این امر می‌تواند موجب سوق یافتن مجرم به انحراف ثانویه و در نتیجه تشدید اعمال مجرمانه امنیتی شود و بستر پیدایش جرائم امنیتی دیگری را فراهم سازد، چراکه بر مبنای نظریه برچسب‌زنی، جرم به وسیله کنش واکنش‌های اجتماعی و توسط آنانی که قدرت برچسب‌زنی دارند، تعریف می‌شود (وایت و هینز، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

در نظریه برچسب‌زنی، یکی از عواملی که سبب تشدید سوق یافتن فرد به انحراف ثانویه و مجرمیت حرفه‌ای می‌شود، دفاع فرد برچسب‌خورده در مقابل حمله‌های واکنش اجتماعی است که موجب می‌شود فرد برای کاستن از فشارهای ناشی از برچسب مجرمانه را بپذیرد، زیرا کسانی که خود را کاملاً مجرم تصور می‌کنند، هنگامی که دیگران آن‌ها را با این عنوان‌ها معرفی می‌کنند، کمتر تهدید می‌شوند (ولد، توماس و جفری، ۱۳۸۰: ۳۰۲). از دیگر عوامل تشدید این فضا، افزایش شمار کسانی است که شخص را مجرم معرفی کرده یا با برچسب‌زنندگان هم‌نواپی می‌کنند (ولد، توماس و جفری، ۱۳۸۰: ۳۰۱). دو عامل نیز در مجرمان خرد جرائم

امنیتی قابل اشاره است، چراکه فردی که اقدام‌های خردی که دارای عناوین سنگین مجرمانه امنیتی است انجام می‌دهد، پس از پایان مجازات قانونی نیز در جامعه پیرامونی و حتی در ادارات، اماکن دولتی و ... نیز با اتصاف به جرم امنیتی شناخته شده و از این رهگذر متحمل فشار اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر گروه‌های ضدامنیتی و تروریستی نیز از این بستر بهره می‌گیرند و تلاش می‌کنند با برجسته‌سازی برچسب مذکور افراد یادشده را جذب کنند که این عوامل در کنار سایر عوامل زمینه‌های پیدایش انحرافات ثانویه را تقویت می‌کند. درحالی‌که اگر قانونگذار با رویکردی پیشگیرانه با تفکیک بسیاری از عناوین مجرمانه، از جرائم امنیتی، جلوی برچسب خوردن مجرمان به مجرمان امنیتی را بگیرد، بستر پیدایش جرائم تا حدودی کم‌رنگ می‌شود و جرائم ثانویه کاهش خواهد یافت.

علاوه‌بر تمایز انحراف اولیه و ثانویه، تمایز قرار دادن میان جرائمی که حوزه اثرگذاری آنان با خطر کمتری همراه است، از جرائم امنیتی که خطرهای جدی‌تری را به‌همراه دارد، می‌تواند در کاهش برچسب مجرمان امنیتی نقش بسزایی داشته باشد. این مسئله در برخی کشورهای با نظام حقوقی متفاوت رومی ژرمی و کامن‌لا نیز قابل مشاهده است. قانونگذار فرانسه در کتاب چهارم قانون مجازات خود، جرائم امنیتی (جنایات و جنحه‌ها علیه ملت، دولت و آسایش عمومی)^{۲۱} را در پنج عنوان جرم‌انگاری کرده و در عنوان اول به تعدیات نسبت به مصالح اساسی ملت^{۲۲}، در عنوان دوم تروریسم^{۲۳}، در عنوان سوم تعدیات نسبت به قدرت حکومت^{۲۴}، در عنوان چهارم تعدیات نسبت به جریان دادگستری^{۲۵} و در عنوان پنجم مشارکت در یک گروه تبه‌کار^{۲۶} را تبیین و ضمن طبقه‌بندی جرائم، اقدام به جرم‌انگاری نزولی جرائم از سنگین به سبک کرده است. در نظام حقوق کیفری انگلستان نیز جرائم علیه امنیت که در نظام حقوقی کامن‌لا از آن با عنوان «جرائم علیه امنیت دولت»^{۲۷} یاد می‌شود، رویکرد مشابهی دارد و قانون «خیانت»^{۲۸} مصوب ۱۳۵۱ میلادی که در حال حاضر بخش‌هایی مانند قصد کشتن شاه، ملکه یا ولیعهد، به راه انداختن جنگ علیه مقام سلطنت و پناه بردن و مساعدت کردن به دشمنان مقام سلطنت به‌عنوان مصادیق بارز خیانت در حقوق امروز انگلستان شناخته شده‌اند و به‌جای خیانت به سلطان، خیانت به کشور و نظام حکومتی آن مدنظر قرار می‌گیرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۴). در کنار آن جرم خیانت، در قبال جرائم تروریستی نیز رویکرد کاملاً سخت‌گیرانه‌ای دارد و در کمتر از یک دهه، چهار قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۰ و

ضد تروریسم، بزه و امنیت مصوب ۲۰۰۱، پیشگیری از تروریسم مصوب ۲۰۰۵ و قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۶ را به اجرا گذاشته است (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۴). اما در مقام و رتبه پایین تری جرائم علیه نظم عمومی در قوانین این کشور، پیش بینی کرده که مهم ترین قانون در این زمینه «قانون نظم عمومی»^{۲۹} مصوب ۱۹۸۶ میلادی شامل شورش، اختلال در نظم به شکل خشونت آمیز، نزاع جمعی و جرائم جزئی تر است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۵). یا در قانون «جرم و بی نظمی»^{۳۰} مصوب ۱۹۹۸ و در قانون «پلیس و جرائم مهم سازمان یافته»^{۳۱} مصوب ۲۰۰۵ جرائم سبک تری را پیش بینی کرده است. استفاده از عناوین مختلف یا تقنین متفاوت در خصوص هریک از انواع جرائم و عدم احصای آن ذیل یک فصل به عنوان جرائم علیه امنیت، افزون بر آنکه تمایز برچسب های مجرمانه را به همراه داشته، سیاست پیشگیرانه ای را نیز در قبال جرائم سنگین تر به همراه داشته است.

۲-۲-۲. تقلیل عناوین مجرمانه

پس از انقلاب اسلامی، قانونگذار با تلاش برای نسخه برداری قوانین کیفری از متون فقهی، تلاش کرد از واژگان فقهی به جای واژگانی که در متون حقوقی ایران بود، بهره گیرد، این موضوع در کنار پراکندگی تقنینی سبب شد که قانونگذار ایران اگرچه در برخی جرائم برچسب و عناوین سنگینی را اتخاذ کند، لکن در رویکردی متناقض، اقدام به کاهش عناوین مجرمانه در برخی دیگر از جرائم کرد، برای مثال با تلفیق عنوان خیانت به کشور با جاسوسی، از عنوان جاسوسی برای تمامی مصادیق خیانت به کشور بهره گرفت، در حالی که تا پیش از انقلاب، نظام حقوق کیفری ایران متأثر از نظام حقوقی کیفری فرانسه، میان این دو عنوان تمایز قائل بود. در قوانین فرانسه اگر اقدام های جاسوسی توسط یک فرانسوی انجام گیرد، این شخص خائن است، همان طور که انجام اقدام های مزبور از طرف یک خارجی جاسوسی است (گارو، ۱۳۴۴: ۴۷۶). قانونگذار فرانسه نیز در مقررات ۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹ و قانون مارس ۱۹۵۰ این دیدگاه را در تمایز میان جاسوسی و خیانت مورد پذیرش قرار داده است (ساریخانی، ۱۳۸۴: ۱۶۵). ماده ۱-۴۱۱ قانون مجازات فرانسه اشعار می دارد: اقدام تعریف شده به موجب مواد ۲-۴۱۱ تا ۱۱-۴۱۱ (فصل خیانت و جاسوسی)^{۳۲} هنگامی که توسط یک فرانسوی یا یک نظامی در خدمت فرانسه ارتکاب یابد، خیانت به کشور^{۳۳} به شمار می آید و هنگامی که توسط هر شخص دیگری ارتکاب یابد، جاسوسی^{۳۴} تلقی می شود. قانونگذار ایران شاید با اسناد به اینکه از حیث میزان مجازات تمایزی

میان این عناوین وجود ندارد، بر این ادغام عناوین ترغیب شده باشد، لکن بار روانی متمایز این عناوین می‌تواند در واکنش اجتماعی جامعه به برچسب مجرمانه فرد مؤثر باشد که قانونگذار جمهوری اسلامی از این موضوع غفلت کرده است.

۳-۲-۲. تأکید ویژه بر جرائم سخت به‌جای توجه بر ضابطه نوعی

اصل تناسب جرم و مجازات از اصول پذیرفته‌شده نظام‌های حقوق کیفری و منبعث از روح عدالت‌طلبی بشر است و به‌عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی در مواد ۷۶ و ۷۸ اساسنامه و ماده ۱۴۵ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی است که بر پایه آن میزان مجازات باید تابعی از میزان شدت آثار جرم ارتكابی و براساس وضعیت بزه‌دیده و بزه‌کار و اوضاع و احوال ارتكاب جرم، نوع و میزان صدمه وارده و نتایج زیان‌آور به جامعه و ارزش‌های مورد قبول جامعه در راستای بازگرداندن آرامش روانی به جامعه باشد. این اصل متضمن برقراری عدالت در جامعه و از لوازم نظام کیفری متعادل است. مبنایی منطقی برای مجازات از اصول اولیه و بنیادین، نظام عدالت کیفری و عامل مشروعیت آن است. در نظام کیفری ایران تاکنون لاقلاً مبنایی کلی و فراگیر برای تناسب مجازات با جرم ارتكابی مکتوب نشده است. نبود اصول بنیادی در تعیین کیفر در مرحله تقنین و اجرا از عمده ایرادات یا شاید عمده‌ترین ایراد نظام کیفری ایران است (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۳۳). در ضابطه نوعی و عینی که در واقع منبعث از اصل تناسب جرم و مجازات است، براساس میزان صدمه، خسارت و لطمات وارده از جرائم، مجازات برای آنان تعیین می‌شود. رعایت این ضابطه از لوازم تقنین کمال‌گراست. البته تناسب مجازات و جرم امری نسبی و براساس مبنایی بیشتر مکاتب کیفری تابعی از ایدئولوژی و ارزش‌های حاکم بر جوامع است (منتسکیو، ۱۳۹۲: ۳۹). نظام کیفری ایران که منبعث از فقه است، رویکرد برخورد حداکثری با جرائم خشن و برخورد حداقلی با جرائم نرم دارد که سبب می‌شود تناسب جرم و مجازات با تکیه بر ضابطه نوعی (میزان خسارت جرم) در حوزه جرائم علیه امنیت مورد خدشه قرار گیرد. در راهبردهای افتراقی رویکردهای امنیت‌مدار تمرکز بر نوع خاصی از مجرمان به‌اصطلاح پرخطر است (مهدوی‌پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). بر این اساس قوانین جزایی ایران در حوزه امنیتی معطوف به جرائم خشن و سخت شده و بیشترین مجازات‌ها برای این قبیل جرائم دیده شده و در برخورد با اعمال مخل امنیت، بیشتر توجه خود را به موضوعات سخت‌افزاری اختصاص داده و برای مقولات نرم‌افزاری مجازات‌های

به مراتب سبک‌تری را وضع کرده است، البته این نگرش در نگاه کلان کاملاً قابل پذیرش است و تمامی کشورها نسبت به جرائم خشونت‌آمیز، حساسیت ویژه‌تری دارند، لکن با نگاهی به مصادیق و برخی زوایای ریزتر جرائم مشاهده می‌شود که گویی قانونگذار دو روش جرم‌انگاری را به موازات یکدیگر مدنظر قرار داده و در جرائم سخت ولو آثار و عوارض آن عمده و کلان هم نباشد حداکثر مجازات را در نظر گرفته است، لکن در جرائم نرم حداقل مجازات را در نظر گرفته است، ولو آنکه تبعات و آثار زیانبار آن بیشتر باشد. با نگاهی به مجازات قاچاقچیان سلاح، سارقان مسلح، اخلاالگران اقتصادی، اخلاالگران در صنعت نفت و ... می‌توان به شدت بیشتر مجازات عاملان آن‌ها نسبت به جاسوسی و خیانت به کشور پی برد، این در حالی است که در جرائم جاسوسی، مجازات تعزیری درجه ۶ تا ۴ را در نظر گرفت، در حالی که ممکن است به مراتب ضربات سهمگین‌تری به امنیت کشور وارد شود. برای نمونه با نگاهی به ماده ۱۱ قانون مجازات اخلاالگران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶، برای ترک فعل یک مسئول که ممکن است موجب انهدام یک وسیله نقلیه در صنعت نفت شود، در حداکثر مجازات (۱۰ سال حبس) مساوی با یک جاسوس (حتی در بالاترین سطح و در سطح سران کشور) در نظر گرفته شده است. این مسئله در سایر جرائم نرم نیز مشاهده می‌شود، برای نمونه در موضوع تجمعات و راه‌پیمایی‌های غیرقانونی و مخل نظم و امنیت که مسبب برخی کودتاهای نرم در کشورهای مختلف شده است، قانونگذار ایران، نه تنها آن را جرم تلقی نکرده، بلکه براساس اصل ۲۷ قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌هایی که مخل مبانی اسلام نباشد، مجاز قلمداد شده است، قانونگذار در این خصوص تنها در تبصره ۱ بند «خ» ماده ۱۳ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۴، دبیران کل احزاب را موظف کرده است که حداقل هفتاد و دو ساعت پیش از برگزاری اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، مراتب را به اطلاع مسئولان ذی‌ربط برسانند و در مواد ۶ تا ۱۲ آیین‌نامه اجرایی آن که در سال ۱۳۹۷ به تصویب هیأت دولت رسید، تنها به لزوم دریافت مجوز و شرایط آن اشاره کرده و تعرضی به مجازات متخلفان از آن نکرده است، از این رو براساس ماده ۲ ق.م.ا که اشعار می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعلی و ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود»، می‌توان گفت که قانونگذار طراحی، هدایت، ساماندهی، شرکت و ... را در تجمعات غیرقانونی که از ابزارهای مورد استفاده در کودتای نرم است، جرم تلقی نکرده است،

این در حالی است که بسیاری از کشورها از جمله کشورهای غربی به تجمعات منحل نظم و امنیت نگرش جرم‌انگاران‌ای داشته و مجازات‌هایی را برای مرتکبان آن‌ها مقرر داشته‌اند. برای نمونه قانونگذار انگلستان نیز بخش اول (جرائم جدید)^{۳۵} قانون نظم عمومی^{۳۶} مصوب ۱۹۸۶ م، جرم شورش^{۳۷} و جرم بی‌نظمی خشونت‌آمیز^{۳۸} را جرم‌انگاری و برای آنان مجازات‌های ۵ و ۱۰ سال حبس یا جریمه نامحدود یا هر دو را وضع کرده است. در بخش دوم (تجمعات و راه‌پیمایی‌ها)^{۳۹} تجمعات غیرقانونی را جرم‌انگاری و برای آنان جرائم مالی و حبس‌های چندماهه یا هر دو آنان وضع کرده است. قانونگذار فرانسه نیز در کتاب چهارم (جنایات و جنحه‌ها علیه ملت، دولت و آسایش عمومی)^{۴۰} قانون مجازات فرانسه ضمن جرم‌انگاری جنبش‌های آشوبگرانه (شورش و خشونت‌های دسته‌جمعی) در بخش دوم، فصل دوم (دیگر تعرض‌ها به نهادهای جمهوری یا تمامیت ارضی ملی)^{۴۱} از عنوان اول (در تعدیات نسبت به مصالح اساسی ملت) و شورش و نافرمانی در بخش پنجم فصل سوم (تعرض‌های ارتكابی به مدیریت عمومی به وسیله افراد خاص)^{۴۲} از عنوان سوم (تعدیات نسبت به قدرت حکومت)^{۴۳} شرکت بزهدکارانه در یک گردهمایی غیرقانونی و راه‌پیمایی‌های غیرمجاز و شرکت غیرقانونی در یک راه‌پیمایی یا گردهمایی عمومی را در فصل اول (تعدیات نسبت به آسایش عمومی)^{۴۴} از عنوان سوم (تعدیات نسبت به قدرت حکومت) جرم‌انگاری کرده و علاوه بر مجازات‌های سنگین مالی، مجازات حبس را نیز در نظر گرفته است.

۲-۲-۴. عدم رعایت سیاستگذاری هوشمندانه و پلکانی

تقنین هوشمندانه بر پایه اصول مسلم کیفری با هدف میل به پیشگیری از جرم، مجازات مجرم و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم استوار است. رویکرد هوشمندانه افزون‌بر آنکه از مجازات به‌منزله ابزاری برای پیشگیری از جرائم ابتدایی و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم بهره می‌گیرد، از آن برای سزادهی به مجرم قابل سرزنش نیز بهره گرفته و در عین حال با توجه به شرایط و احوال پیدایش جرم و شخص مجرم و بزه‌دیده، از شدت یا خفت مجازات به‌عنوان ابزاری کارآمد بهره می‌گیرد. در این روش نظام کیفری در یک منظومه کامل به تصویر کشیده شده و جرائم از حیث شدت آثار دسته‌بندی شده و سپس جرائم سبک‌تر با مجازات سبک‌تر و جرائم سنگین‌تر با جرائم سنگین‌تر مواجه می‌شود. این مسئله مورد توجه نظام‌های کیفری مختلفی قرار گرفته است، از جمله نظام کیفری انگلستان از دو

طریق (تناسب طولی و تناسب عرض) درصدد متناسب ساختن مجازات با جرم بوده و ابتدا با تعیین کلی یا حداکثر مجازات برای هر جرمی (براساس عناصر شدت جرم)، اقدام به تعیین و تبیین تناسبی طولی یا کلی بین انواع مختلف جرم می‌کند و سپس به دادگاه اجازه می‌دهد که در دایره و محدوده کلی مجازات تعیین شده، بتواند با توجه به اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر وقوع عمل مجرمانه که از آن به عوامل مشدده و مخففه تعبیر می‌شود، در تعیین شدت عمل مجرمانه خاص اعمال نظر کرده و مجازاتی متناسب با شرایط پیش گفته برای مرتکب تعیین و اجرا کند (سبزواری نژاد، ۱۳۹۶: ۱۴۲-۱۴۳). در تعیین هوشمندانه افزون بر توجه به نکات مذکور، به جای مواجهه مستقیم با مجرمان و مجازات آنان در راستای مدیریت بحران و از بین بردن بسترها و شرایط جرم‌خیز برمی‌آید و مواجهه با مجرمان پرخطر را به‌عنوان راهکار آخر مورد توجه قرار می‌دهد. در این زمینه ابزار قانون بیش از اینکه به‌منظور تعقیب و محاکمه استفاده شود، در راستای محدودسازی و فرسایش نیروی مخالف به‌کار گرفته شده است (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۹۶)، اما متأسفانه در نظام کیفری ایران، در نسبت جرائم و مجازات‌ها به همدیگر، قاعده معینی دیده نمی‌شود. برای قانونگذار ایران تفاوتی بین مجازات جاسوس که جرمی علیه بنیان و امنیت کشور است (م ۵۰۵ ق.م.ا ۱۳۷۵) و دارای میزان صدمه و قابلیت سرزنش بالاست، با مجازات ورشکسته به تقلب (م ۶۷۰ ق.م.ا ۱۳۷۵) وجود ندارد و مجازاتی یکسان برای مرتکبان آنها مقرر شده است. در بررسی مقررات کیفری ایران این آشفتگی و بی‌قاعدگی مشحون است (سبزواری نژاد، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۵۷).

قانونگذار ایران در نگاه کلان، منظومه مشخصی از تقسیم‌بندی جرائم بر اثر شدت آثار زیانبار نداشته و صرفاً به نگاه سخت‌گیرانه به جرائم خشن پرداخته است. تجلی نگاه‌های سخت‌گیرانه از ابتدای تصویب قوانین کیفری در نظام حقوقی ایران آشکار بود. این دیدگاه طی دوره‌ای با سیاست مدارا کردن و در برهه دیگر با رویکرد مسامحه صفر به روند خود ادامه داده است. گنجانیدن برخی دستاوردهای مکاتب دفاع اجتماعی و پیروی از برخی افکار اندیشمندان و نگاه طبیب‌مآبانه به جامعه بیمار و مجرمان برخاسته از آن و تجویز راهکارهایی در خصوص درمان برخی مجرمان و در نقطه مقابل تصویب مقررات با رویکرد تهاجمی بر مبنای تفکرات نفع‌گرایی و ستیز با مجرمان و طرد آنان از جامعه، از فراز و نشیب‌های سیر تکاملی قوانین موضوعه نظام حقوقی ایران از ترحم‌مداری تا دشمن‌مداری خبر می‌دهد (میلانی و اردکانی ارجمند، ۱۳۹۴: ۲۹).

قانونگذار افزون‌بر شدت و قلت مجازات در جرائم مختلف، نتوانسته است در جرم واحد نیز معیار تمایز مجرمان را ارائه کند تا براساس آن معیار دادگاه‌ها ملزم به رعایت این نوسان بین حداقل و حداکثر مجازات شوند و این امر صرفاً به دادگاه تفویض شده است. تعیین مجازات در چنین حالتی در اختیار دادگاه است و می‌تواند در بین حداقل و حداکثر، هر میزان مجازات را تعیین کند. برای مثال در ماده ۴۹۹ ق.م.ا مجازات بین سه ماه تا پنج سال که فاصله میان حداقل و حداکثر ۲۰ برابر است، دیده می‌شود (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

نتیجه‌گیری

عموم کشورها به‌واسطه آنکه حاکمیت ملی از زمره مهم‌ترین ارزش برای نظام‌های سیاسی و حکومت‌هاست، به‌منظور حفظ قدرت، استقلال و حاکمیت خود و ایجاد ثبات در نظم عمومی، در مورد جرائم علیه امنیت مجازات‌های سنگینی را وضع کرده‌اند، اما به‌مثابه سایر قوانین که نمودی از خواست حاکمیت است و چاره‌ای جز تمکین برای آن در میان توده‌های جامعه نیست، باید این قوانین نیز از کارآمدی لازم برخوردار باشند، چراکه اگر قانونی از مؤلفه کارآمدی برخوردار باشد، جامعه با کمترین ابزار قهریه و مجازات به آن تمکین می‌کند و دیگر این ذهنیت شکل نخواهد گرفت که امنیت ملی آسیب‌پذیرتر شده که حکومت با شدت برخورد با مرتکبان جرائم امنیتی به‌دنبال ایجاد هراس در آن‌هاست (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵: ۷۸). از سوی دیگر شایان ذکر است که اعتبار قانون در حوزه جرائم علیه امنیت منوط به مقبولیت همگانی یا حداکثری نیست، اما کارآمدسازی این قوانین نقش بسزایی در افزایش ضریب امنیتی در جامعه دارد و با اقبال بیشتر جامعه، مسیر تأمین امنیت جامعه را هموار می‌سازد.

بررسی قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم امنیتی از زاویه اصول پذیرفته‌شده قانون‌نویسی بیانگر آن است که نواقص و اشکالات عدیده‌ای از جمله نارسایی‌ها، ابهامات قوانین مانند پراکندگی تقنینی، تعارض یا تناقض قوانین، ابهام و کلی‌گویی عناوین مجرمانه، جزئی‌نگری (عدم جامعیت) و همچنین اثربخشی معکوس قوانین و تشدید هنجارشکنی شامل برچسب‌زنی نامتقارن، تقلیل عناوین مجرمانه، تأکید ویژه بر جرائم سخت به‌جای توجه بر ضابطه نوعی، عدم رعایت سیاستگذاری هوشمندانه و پلکانی و ... به قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم مذکور وارد است که کارآمدی و ثمربخشی این قوانین را در معرض تحدید قرار داده است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که معاونت حقوقی قوه قضاییه به‌همراه کمیسیون حقوقی مجلس و

نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در راستای کارآمدسازی قوانین مذکور به منظور نیل و دستیابی به امنیت پایدار با اصلاح و بازنگری کلان قوانین مذکور، کارآمدی و نقش پیشگیرانه این قوانین را بهبود بخشند و با ترسیم نظام‌واره مشخصی از تهدیدهای اصلی و مهم‌تر، جرائم در این حوزه را متناسب با میزان آسیب آنان نسبت به منافع ملی طبقه‌بندی کنند، سپس اقدام‌های اصلاحی در بخش‌های مختلف قوانین مورد توجه قرار گیرد، چراکه نگاه جزئی‌نگر به اصلاح قوانین که گاهی بخشی از قوانین را مورد اصلاح قرار می‌دهد، نتیجه‌ای جز شکل‌گیری نامتقارن قوانین کیفری ندارد و علاوه بر ایجاد تورم قوانین، شکل ناموزونی از قوانین بعضاً اصلاح و متورم‌شده و قوانین اصلاح‌نشده و نارسا به نمایش گذاشته می‌شود.

قانونگذار ایران اگرچه خود را متعهد به تطبیق قوانین با فقه امامی می‌داند، برخلاف نگرش حضرت امام خمینی (ره) که خواستار گسترش فقه جواهری و اجتهاد پویا بودند، تلاش داشته در قوانین کیفری در حوزه جرائم علیه امنیت به سمت نسخه‌برداری از متون فقهی روی آورد، درحالی‌که با تمسک به اصول پذیرفته‌شده فقهی، می‌توان ضمن تدوین قانون فراگیر و جامع بدون محدود ساختن خود به نگرش سنتی به امنیت، قوانین کیفری را منطبق با مبانی فقهی نگارش کرد و در عین حال نگاهی نوین به امنیت جامعه داشت، چراکه امنیت جوامع در حال دگرگونی است و مفاهیم و مؤلفه‌های نوینی در آن نقش‌آفرینی می‌کند.

در راستای اصلاح قوانین کیفری در جرائم علیه امنیت، پیشنهاد می‌شود که قانونگذار موارد متعددی را اصلاح کند، از جمله موارد ذیل:

- نظام‌واره جامعی از جرائم علیه امنیت ترسیم و قوانین پراکنده در این حوزه تجمیع شود؛
- در بازنویسی مجدد، تمامی قوانین در طیف‌های متنوعی ترسیم و تعارضات و تناقضات آن اصلاح شود؛
- قانونگذار در نگارش قانون، خود را محدود به چارچوب کتاب‌های فقهی در تقسیم‌بندی سه‌گانه بغی، محاربه و افساد فی‌الارض نکرده و تلاش کند عناوین دیگری را جعل کند و صرفاً با انطباق قوانین با اصول فقهی، تطبیق شرع و قانون را به منصفه ظهور برساند؛
- در طبقه‌بندی جرائم به نتایج زیانبار جرائم توجه شود و ثمرات جرائم براساس

اولویت بین‌المللی، ملی، استانی، شهر، منطقه‌ای و محله‌ای دسته‌بندی شده و مجازات نیز براساس اولویت مذکور تعیین شود، نه آنکه جرائمی مانند قدرت‌نمایی با اسلحه در یک محله کوچک با مجازات محاربه و اعدام و مجازات جاسوسی در بالاترین سطح با چند سال حبس مواجه شود؛

- در یک اصلاح رویکردی، ثمره جرم مورد توجه قرار گیرد و رویکرد قانونگذار از توجه به جرائم سخت و بی‌توجهی به جرائم نرم اصلاح شود، چراکه ممکن است ثمرات بسیاری از جرائم نرم به مراتب زیانبارتر از جرائم سخت باشد؛
- در برجسب‌زنی مجرمانه، در عناوین مجرمانه توجه بیشتری شود، برای مثال خیانت به کشور از جرم جاسوسی مجزا شود؛
- اقسام جاسوسی نیز جرم‌انگاری شده و فقط جاسوسی محدود به ارائه اطلاعات طبقه‌بندی‌شده نشود.

یادداشت‌ها

1. Retributive justice.
2. Zero Tolerance.
3. Reintegrative justice.
4. Positivist.
5. New-neoclassicism.
6. Just desert.
7. Actuarial Justice.
8. Penal sociology – Sociology of criminal justice – Sociology of punishment.
9. Criminal Sociology - Sociology of crime.
10. Legislative inflation.
11. Des crimes et délits contre la nation, l'Etat et la paix publique (Articles 1-410 à 5-450).
12. Des atteintes aux intérêts fondamentaux de la nation (Articles 1-410 à 9-414).
13. De la trahison et de l'espionnage (Articles 1-411 à 11-411).
14. Labelling theory.
15. Crime and the Community.
16. frank Tannenbaum.
17. Edwin Lemert.
18. Howard Becker.
19. Social Pathology.
20. Studies in the Sociology of Deviance.
21. Des crimes et délits contre la nation, l'Etat et la paix publique (Articles 1-450 à 5-450).
22. Des atteintes aux intérêts fondamentaux de la nation (Articles 1-410 à 9-414).
23. Du terrorisme (Articles 1-421 à 7-422).
24. Des atteintes à l'autorité de l'Etat (Articles 1-431 à 5-436).
25. Des atteintes à la confiance publique (Articles 1-441 à 4-446).
26. De la participation à une association de malfaiteurs (Articles 1-450 à 5-450).
27. Offences against the security of the state.
28. Treason Act.
29. The Public Order Act.
30. Crime and Disorder Act.
31. Serious Organised Crime and Police Act 2005.
32. De la trahison et de l'espionnage (Articles 1-411 à 11-411).
33. Trahison.
34. l'espionnage.
35. Part I New Offences.
36. The Public Order Act.
37. Riot.
38. Violent disorder.
39. Part II Processions and Assemblies.
40. Des crimes et délits contre la nation, l'Etat et la paix publique (Articles 1-410 à 5-450).
41. Des autres atteintes aux institutions de la République ou à l'intégrité du territoire national (Articles 1-412 à 8-412).
42. Des atteintes à l'administration publique commises par les particuliers (Articles 1-433 à 26-433).
43. Des atteintes à l'autorité de l'Etat (Articles 1-431 à 5-436).
44. Des atteintes à la paix publique (Articles 1-431 à 30-431).

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید، چ چهاردهم.
۲. آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. ----- (۱۳۹۰)، «امنیت، آزادی شخصی و مدیریت خطر جرائم امنیتی»، تحقیقات حقوقی، ضمیمه شماره ۵، زمستان، ص ۷۵ - ۱۱۵.
۴. افشین‌پور، مصطفی و نقوی، مهدی (۱۳۹۷)، «سیاست کیفری امنیت مدار ایران در تعدیل مجازات‌ها»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، تابستان، ش ۳۶، ص ۱۲۵ - ۱۴۵.
۵. جزایری، عباس (۱۳۹۴)، امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، تهران: سامان دانش.
۶. ----- (۱۳۹۶)، حق اطلاع، عقلانیت و مصلحت، مستی، تهران: سامان دانش.
۷. جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی حقوق کیفری، تهران: میزان، چ اول.
۸. حسینی، سید محمد و نفیسه متولی‌زاده نائینی (۱۳۹۱)، بررسی نظریه برجسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، ش ۴، زمستان، ص ۱۱۷ - ۱۳۶.
۹. داودی‌گرمارودی، هما (۱۳۸۴)، «مکتب نئوکلاسیک نوین و احیا رویکرد سزا دهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۶۸، شماره پیاپی ۵۱۷، تابستان، ص ۶۵ - ۸۸.
۱۰. دری نجف‌آبادی، قربان‌علی (۱۳۷۹)، «نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان (ع)»، مجله حکومت اسلامی، ش ۱۸، زمستان.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳.
۱۲. راسخ، محمد (۱۳۸۴)، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۳. رضوانی، سودابه (۱۳۹۱)، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، تهران: میزان، چ اول.
۱۴. ساریخانی، عادل (۱۳۸۴)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، قم: دانشگاه قم، چ اول.
۱۵. ----- (۱۳۷۸)، جاسوسی و خیانت به کشور، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.

۱۶. سبزواری نژاد، حجت (۱۳۹۶)، «جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، *دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۷۷ و ۷۸، بهار و تابستان، ص ۱۳۳-۱۶۴.
۱۷. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی کج‌روی* (کتاب اول مجموعه *مطالعات کج‌روی و کنترل اجتماعی*)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۸. شاملو، باقر و مجید مرادی (۱۳۹۲)، «تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی در جرم پول‌شویی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۷، ش ۸۱، ص ۱۱۱-۱۶۰.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۷)، *تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۰.
۲۰. غلامی، حسین (۱۳۸۲)، تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم‌شناختی)، تهران: میزان.
۲۱. قناد، فاطمه و مسعود اکبری (۱۳۹۶) «امنیت‌گرایی سیاست جنایی»، دوره ۵، ش ۱۸، بهار، ص ۳۹-۶۷.
۲۲. کوشکی، غلامحسین و نادر علیزاده سرشت (۱۳۹۴)، «نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب»، *پژوهش حقوق کیفری*، پاییز، ش ۱۲، ص ۹۹-۱۲۴.
۲۳. گارو، رنه (۱۳۴۴)، *مطالعات نظری و عملی حقوق جزا*، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، تهران: ابن‌سینا، ج ۱ و ۳.
۲۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹)، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران: جهاد دانشگاهی، ج ۱، چ دوم.
۲۵. متیو، برتران (۱۳۹۱)، *قانون*، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
۲۶. مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶)، *جرائم علیه امنیت*، تهران: میزان.
۲۷. ----- (۱۳۸۶)، «تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دویان عالی کشور بر آن در فرانسه»، *پژوهش‌های حقوقی*، ش ۱۲، نیمسال دوم، ص ۱۰۵-۱۲۳.
۲۸. مرکزالمیری، احمد و مهدی مهدی‌زاده (۱۳۹۴)، «قانونگذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران»، *پژوهش حقوق عمومی*، سال هفدهم، ش ۴۷، تابستان، ص ۱۵۷-۱۸۴.
۲۹. معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۳۰. منتسکیو، شارل (۱۳۹۲)، *روح القوانين*، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.
۳۱. مهدوی‌پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۳)، «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، سال پنجم، ش ۱، ص ۱۵۹-۱۸۸.

۳۲. مهدي پور، اعظم و نجمه شيراني كراني (۱۳۹۶)، «تحديد تضمين هاي دادرسي عادلانه در پرتو جرم شناسي امنيت گرا»، *مجله حقيقي دادگستري*، سال هشتم دو يكم، ش ۹۷، بهار، ص ۷۹ - ۱۱۲.
۳۳. ميرمحمد صادقي، حسين (۱۳۹۲)، *جرائم عليه امنيت و آسايش عمومي*، تهران: ميزان، چ بيست و چهارم.
۳۴. ميلاني، علي رضا و غلامرضا اردكاني ارجمند (۱۳۹۴)، «دامنه نفوذ تفكرات امنيت مدار در قلمروي حقوق كيفري ايران»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعي*، دوره ۱، ش ۱، زمستان، ص ۲۶ - ۳۳.
۳۵. نجفي ابرندآبادي، علي حسين (۱۳۷۳-۱۳۷۴)، *نظريه هاي جرم شناسي*، *تقريرات جرم شناسي*، تهيه و تنظيم: فاطمه قناد، دوره كارشناسي ارشد، دانشگاه شهيد بهشتي، نيمسال دوم.
۳۶. ----- (۱۳۹۱)، *از جرم شناسي انتقادي تا جرم شناسي امنيتي*، *تقريرات درس جرم شناسي*، دوره دكتري حقوق جزا و جرم شناسي دانشگاه شهيد بهشتي.
۳۷. وايت، راب و فيونا هينز (۱۳۸۳)، *جرم و جرم شناسي (كتاب دوم مجموعه مطالعات كجروي و كنترل اجتماعي)*، ترجمه علي سليمي، محسن كارخانه و فريد مخاطب قمي، قم: پژوهشكده حوزه و دانشگاه.
۳۸. ولد، جرج؛ توماس، برنارد و اسنييس جفري (۱۳۸۰)، *جرم شناسي نظري (گذري بر نظريه هاي جرم شناسي)*، ترجمه علي شجاعی، تهران: سمت.
۳۹. ويليامز، فرانك پي و مك شين، ماري لين دي (۱۳۸۳)، *نظريه هاي جرم شناسي*، ترجمه حميدرضا ملك محمدي، تهران: ميزان.
۴۰. هاشمي، محمد (۱۳۹۱)، *حقوق اساسي جمهوري اسلامي ايران*، تهران: ميزان، ج ۲، چ يازدهم.
۴۱. يزديان جعفري، جعفر (۱۳۸۵)، «اصل فردي كردن مجازات ها؛ تبعيضي فاحش يا عدالتي عادلانه تر»، *حقوق اسلامي*، دوره ۳، ش ۱۱، زمستان، ص ۴۱ - ۶۴.

References

1. Ashouri, Dariush (2007), **Political Encyclopedia**, Tehran: Morvarid Publications, Fourteenth Edition. (in persian)
2. Aghababaei, Hossein (2010) **The Realm of Security in Criminal Law**, Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought. (in persian)
3. ----- (2011), "Security, Personal Freedom and Risk Management of Security Crimes", **Legal Research**, Appendix No. 5, Winter, pp. 75 - 115. (in persian)
4. Afshinpour, Mostafa & Naghavi, Mehdi (2016), "Iran's security-oriented criminal policy in mitigating punishments", **Private and Criminal Law Research**, Summer, No. 36, pp. 125-145. (in persian)
5. Jazayeri, Abbas (2015), **Judicial Security in Iranian Criminal Law and the Procedure of the European Court of Human Rights**, Tehran: Saman Danesh. (in persian)
6. ----- (2017), **Right to Information**, Rationality and Expediency, Drunkenness, Tehran: Saman Danesh. (in persian)
7. Jafari, Mojtaba (2013), **Sociology of Criminal Law**, Tehran: Mizan, first edition. (in persian)
8. Hosseini, Seyed Mohammad and Nafiseh Motavalizadeh Naeini (2012), "A Study of Labeling Theory with a Look at Islamic Sources", **Law Quarterly**, Vol. 42, No. 4, Winter, pp. 117-136. (in persian)
9. Davoodi Garmaroodi, Homa (2005), "The New Neoclassical School and the Revival of the Punishment Approach", **Journal of the Faculty of Law and Political Science**, Vol. 68, No. 517, Summer, pp. 65-88.
10. Dari Najafabadi, Ghorban Ali (2000), "A Look at Security from the Perspective of Amir Momenan (AS)", **Journal of Islamic Government**, No. 18, Winter. (in persian)
11. Dekhoda, Ali Akbar (1998), **Dekhoda Dictionary**, under the supervision of Mohammad Moin and Jafar Shahidi, second edition, Tehran: University of Tehran Press, Vol.3. (in persian)
12. Rasekh, Mohammad (2005), **Theoretical Foundation for Legislative Reform**, Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
13. Rezvani, Soodabeh (2012), **Human risk management**, First Edition, Tehran, Volume. (in persian)
14. Sarikhani, Adel (2005), **Crimes against Security and Public Welfare**, Qom University Press, First Edition. (in persian)
15. ----- (1999), **Espionage and Betrayal of the Country**, Islamic Propaganda Office Publishing Center, First Edition.
16. Sabzevari Nejad, Hojat (2017), "The position of the principle of proportionality of crime and punishment in the criminal law of Iran and the United Kingdom", **Bi-Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives**, No. 77 & 78, Spring and Summer, pp. 133-164. (in persian)
17. Salimi, Ali & Davari, Mohammad (2001), **Sociology of Deviance (the first book in the series of Studies on Deviance and Social Control)**, Qom: Research Institute and University. (in persian)

18. Shamloo, Baqer and Majid Moradi (2013), "Restrictions against fair trial guarantees in the light of Security oriented approach to money laundering", **Legal Journal of Justice**, No.87, Vol. 81, pp. 111-160. (in persian)
19. Tabatabai, Mohammad Hussein (1397), **Al-Mizan Fi Tafsir al-Quran**, Qom: Islamic Publications Office, Vol. 10. (in persian)
20. Gholami, Hussein (2003), **Legal-Criminological Investigation of Recidivism**, Tehran: Mizan. (in persian)
21. GHANAD, Fatemeh & Akbari, MASUOD (2017), SECURITY-ORIENTED CRIMINAL POLICY, Vol. 5, No. 18, Spring, pp. 39-67. (in persian)
22. Koushki, GholamHossein and Nader AlizadehSeresht (2015), "A Look at the Realm of Security Crimes in the Light of the Jurisdiction of the Revolutionary Court", **Criminal Law Research**, Autumn, No. 12, pp. 99-124. (in persian)
23. Garo, René (1344), **Theoretical and Practical Studies of Criminal Law**, translated by Seyyed Zia-ud-Din Niqabat, Tehran: Ibn Sina Publications, Vol. I & III. (in persian)
24. Goldozian, Iraj (1990), **Exclusive Criminal Law**, Tehran: University Jihad Publications, Second Edition, Vol.1. (in persian)
25. Matthew, Bertrand (2012), **Law**, translated by Majid Adib, Tehran: amount. (in persian)
26. Majidi, Seyed Mahmoud (2007), **Crimes against Security**, Tehran: Mizan Publications. (in persian)
27. Majidi, Seyed Mahmoud (2007), "Recognition of political crime and the effect of the country's high-ranking officials on it in France", **Legal Research**, No. 12, Second Semester, pp. 105-123.
28. markazMalmiri, Ahmad & Mehdizadeh, Mehdi (2015), "Scattered Legislation in the Iranian Legislative System", **Public Law Research**, Year 17, No. 47, Summer, pp. 157-184. (in persian)
29. Moin, Mohammad (2009), **Persian Culture**, Tehran, Amirkabir.
30. Montesquieu, Charles (2013), **The Spirit of Laws, translated by Ali Akbar Mohtadi**, Tehran: Amirkabir Publishing Institute. (in persian)
31. Mahdavi-pour, Azam & Shahrani Karani, Najmeh (2014), "Security of Criminology: Strategies and Its Effects on Criminal Law", **Criminal Law Research Journal**, Year 5, No. 1, pp.159-188. (in persian)
32. ahdavipour, Azam and Najmeh Shahrani Karani (2017), "Limitation of Guarantees of Fair Trial in the Light of Security-Oriented Law", **Journal of Justice**, Vol. 81, No. 97, Spring, pp. 79-112. (in persian)
33. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2013), **Crimes Against Security and public comfort**, Tehran: Mizan Publishing, 24th edition. (in persian)
34. Milani, Alireza and Gholamreza ArdakaniArjmand (2015), "The Influence of Security-Oriented Thoughts in the Realm of Iranian Criminal Law", **Quarterly Journal of Social Science Studies**, Vol.1, No. 1, Winter, pp. 26-33. (in persian)

35. NajafiAberandabadi, Ali Hossein (1994-1995), **Theories of Criminology, Criminology Lectures**, Prepared and edited by: Fatemeh Ghannad, M.Sc., Shahid Beheshti University, second semester. (in persian)
36. NajafiAberandabadi, Ali Hossein (2012), **from critical criminology to security criminology, lectures on criminology**, PhD in criminal law and criminology at Shahid Beheshti University. (in persian)
37. White, Rob & Hines, Fiona (2004), **Criminology and Criminology (the second book in the collection of studies on deviance and social control)**, translated by Ali Salimi & Mohsen Karkhaneh & Farid Mokhtareb Qomi, Qom: Research Institute and University. (in persian)
38. Wald, George; Thomas, Bernard and Snipes Jeffrey (2001), **Theoretical Criminology (A Passage on Criminological Theories)**, translated by Ali Shojaei, Tehran: Samat. (in persian)
39. Williams, Frank P. and McShane, Marie Lynn Dee (2004), **Theories of Criminology**, translated by Hamid Reza Malek Mohammadi, Tehran: Mizan Publishing. (in persian)
40. Hashemi, Mohammad (2012), **Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Mizan, Vol. 2, Eleventh Edition. (in persian)
41. YazdianJafari, Jafar (2006), "The principle of individualization of punishments Gross Discrimination or Fair Justice", Islamic Law, Vol.3, No. 11, Winter, pp. 41-64. (in persian)

